



انجمن ایران نو

پیش نویس پیشنهادی قانون اساسی ایران

نسخه اول - مهرماه ۱۳۹۶

اصلاحیه سیزدهم - دی ماه ۱۴۰۰

فصل یکم: حقوق اساسی

اصل ۱: کرامت انسان، حقوق بشر و سیطره این اصل بر تمامی اصول

۱. کرامت انسان، صرف نظر از آیین، باورها، جنسیت، نژاد، زبان یا موقعیت اجتماعی او، تخلفناپذیر است. پاسداشت و حراست از این کرامت وظیفه اصلی تمامی مقامات حکومتی است.
۲. ملت ایران بدین وسیله حقوق اساسی تخلفناپذیر و سلبناشدنی بشر را به مثابه بنیان جامعه مدنی و بنیاد صلح و عدالت در جهان به رسمیت می شناسد.
۳. حقوق اساسی که در ادامه خواهد آمد بر تمامی قوانین اساسی و عادی اولویت و سیطره دارند و تمام اعمال قوای مقننه، مجریه و قضاییه باید در چارچوب آن باشد.

اصل ۲: آزادی ها و حقوق فردی

۱. هر انسانی حق دارد مسیر زندگی و تعالی شخصیتی خود را با میل و تعریف خود انتخاب کند تا وقتی که مخل آزادی های دیگران یا موجب نقض حقوق دیگر شهروندان نباشد.
۲. حق حیات یکی از حقوق نقضناپذیر انسان ها است و هر انسانی حق دارد از هرگونه تعرض به جان و بدن خود در امان باشد.
۳. حق در امان بودن از آسیب بدنی تنها در شرایط اضطراری، در اقدامی ناگزیر و متناسب و فقط در مقام دفاع قابل تخطی است.
۴. حیثیت، جان، مال، حقوق، حریم مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که دادگاهی قانونی تجویز کند.
۵. تفتیش عقاید مطلقاً ممنوع است و احدی را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار دارد یا مجبور ساخت عقاید و مکنونات قلبی خود را بازگو کند.
۶. هیچ کس را نمی توان مجبور به اعتراف، گواهی یا شهادتی اعم از شفاهی یا مکتوب یا هر نوع دیگر نمود که به سبب آن اعتراف یا شهادت اتهامی قانونی دامن گیر او شود. هر کس حق دارد در جلسات دادگاه یا بازپرسی یا کمیسیون های تحقیق مجلس در برابر اتهامات وارده به خود یا درخواست ادای پاسخ به هر پرسشی که پاسخ به آن مصداق بخش نخست این بند باشد، سکوت اختیار کند.
۷. هرگونه شکنجه و رفتار غیرانسانی با افراد تحت بازداشت ممنوع است و حکومت در برابر جان، سلامتی و متعلقات افرادی که به حکم قانون تحت الحفظ آن قرار دارند، مسئول است. بار حقوقی اثبات رعایت مفاد این بند در طول بازداشت بر عهده حکومت به طور عام و نهاد بازداشت کننده به طور خاص است.

۷. هرکس حق دارد اعترافاتی را که تحت فشار و شکنجه در طول بازداشت انجام داده در دادگاه پس بگیرد.
۸. بدون دلیل قانونی، از هیچ کس خواسته نخواهد شد تا از بهره‌برداری از حقوق مشروع خود دست بکشد.
۹. شهروندان وظیفه ندارند تا از درخواست‌های غیرقانونی برای دست کشیدن از حقوق خود اطاعت کنند.

اصل ۳: تساوی در برابر قانون

۱. تمام افراد در پیشگاه قانون برابرند و از حقوق قانونی مساوی برخوردارند. حکومت موظف است با اقدامات عملی همت خود را معطوف حذف تبعیضات موجود کند.
۲. هیچ کس نباید به سبب جنسیت، نژاد، زبان، زادگاه یا اصالت خانوادگی، شیوه ولادت یا باورهای مذهبی و سیاسی صاحب امتیازی قانونی شود یا با محرومیت از امتیازات و حقوق قانونی مورد تبعیض قرار گیرد. هیچ کس نباید به سبب ناتوانی جسمانی مورد تبعیض قانونی قرار گیرد.

اصل ۴: آزادی عقیده

۱. آزادی مذهب، عقیده و باور و حق پیروی از ادیان و یا عقاید فلسفی مختلف نقض ناپذیر است.
۲. پیروان ادیان در اجرای مناسک مذهبی خود کاملاً آزاد خواهند بود تا جایی که موجب تضییع حقوق قانونی سایر شهروندان نشود.
۳. کودکان را نباید به کار تبلیغ ادیان یا خدمت در نهادهای مذهبی گماشت.

اصل ۵: آزادی بیان، هنر و دانش

۱. همه افراد حق دارند عقاید خود را از طریق نوشتن، ایراد سخنرانی، عرضه تصاویر و سایر روش‌های مشابه آزادانه بیان و ترویج کنند.
۲. همه افراد حق دارند بدون اخلال از آن دسته از منابع اخبار و اطلاعات که در دسترس عموم قرار دارد، بهره ببرند. دولت موظف است تمام اسناد طبقه‌بندی نشده را به شیوه‌ای مدون در دسترس مردم قرار دهد و همچنین قواعد شفاف و مشخصی برای طبقه‌بندی اسناد و برنامه زمانی مشخصی برای خروج اسناد طبقه‌بندی شده از حالت محرمانه به شهروندان ارائه کند.
۳. این قانون آزادی نشر، مطبوعات، رسانه‌های گروهی و نمایش‌های هنری را تضمین می‌کند.
۴. اعمال سانسور ممنوع است.
۵. محدوده آزادی‌های بیان شده در بند ۱ تا ۴ این اصل تابع سایر اصول قانون اساسی، قوانین مالکیت فکری، حفاظت از کودکان، حریم خصوصی و قوانین حفاظت از آبروی شهروندان در برابر افشای اسرار شخصی یا اتهامات ناروا است.
۶. آموزش، پژوهش و گسترش علوم و هنر آزاد است، اما این آزادی هیچ کس را از قید وفاداری به سایر اصول این قانون معاف نمی‌کند.

اصل ۶: خانواده و کودکان

۱. حضانت، مراقبت و تربیت کودکان از یک سو حق طبیعی والدین است و از سوی دیگر وظیفه‌ای اساسی است که ابتدائاً بر عهده آنان است.
۲. کودکان را نمی‌توان بر خلاف خواست قیم قانونی از وی جدا کرد مگر به حکم قانون آن هم مشروط به آنکه قیم قانونی در وظایف خود نسبت به نگاهداری و مراقبت از کودک اهمال جدی کرده باشد یا کودک در معرض بی‌توجهی عمده یا آسیب مسلم باشد.

۳. قانون باید پیش‌بینی‌های لازم را انجام دهد تا کودکانی که به هر دلیل از نعمت خانواده محروم شده‌اند از تمامی حقوق، امتیازات قانونی و فرصت‌های اجتماعی مساوی با سایر کودکان برخوردار شوند.

اصل ۷: آموزش ابتدایی و متوسطه

۱. تمام سازمان آموزشی و مدارس عمومی کشور تحت نظارت دولت اما توسط هیئت امنای منتخب والدین دانش‌آموزان و اولیاء مدرسه اداره خواهند شد.
۲. تصمیم‌گیری درباره ارائه آموزش‌های عقیدتی بر عهده هیئت امناء هر مدرسه است. تصمیم‌گیری درباره شرکت هر دانش‌آموز در کلاس آموزش عقیدتی بر عهده والدین یا قیم قانونی دانش‌آموز است. اما در هر صورت حکومت مجاز به ارائه هیچگونه کمک مالی که ناقض اصل ۳۰ این قانون باشد نخواهد بود.
۳. تشکیل مدارس غیردولتی مطابق قوانین آزاد خواهد بود.
۴. تحصیل تا پایان دوره متوسطه جزو حقوق غیر قابل سلب کودکان است و دولت موظف به تامین دسترسی به آموزش تا پایان دوره متوسطه برای تمامی افراد خواهد بود. والدین اجازه ندارند این حق را از فرزندانشان سلب کنند.

اصل ۸: آزادی اجتماعات

۱. تمام شهروندان ایران از حق تجمع غیرمسلحانه آزادانه و بدون نیاز به کسب مجوز قبلی یا اطلاع مقامات برخوردارند. هیچ کس را نمی‌توان به شرکت یا عدم شرکت در این اجتماعات مجبور کرد.
۲. استفاده از این حق در اماکن عمومی محصور باید با هماهنگی متولی آن مکان و طبق روندهای قانونی انجام شود.
۳. استفاده از این حق نمی‌تواند به گونه‌ای باشد که دسترسی آزادانه و امن سایر شهروندان به املاک خصوصی را مسدود کند، بنابراین «محاصره مردمی» طبق این قانون مطلقاً ممنوع است.

اصل ۹: آزادی تشکلات

۱. تمام شهروندان ایران حق دارند آزادانه تشکلات و انجمن‌های سیاسی، مذهبی یا اجتماعی تشکیل دهند. هیچ کس را نمی‌توان به شرکت یا عدم شرکت در این تشکلات و انجمن‌ها مجبور کرد.
۲. تشکلات و انجمن‌هایی که هدف از تشکیل آن‌ها یا برنامه عملیاتی‌شان به تشخیص دادگاه یکی از موارد زیر است از این اصل مستثنی هستند:
 - نقض قوانین کیفری، ارتکاب یا مقدمه‌سازی برای ارتکاب تروریسم، نسل‌کشی یا جرایم سازمان‌یافته
 - الغاء یا اختلال در ابتناء قدرت سیاسی بر قانون اساسی و آراء ملت
 - برهم زدن صلح جهانی و منطقه‌ای
۳. حق تشکیل و عضویت در انجمن‌های صنفی برای حفاظت از منافع اقتصادی برای افراد در هر شغل و پیشه قانونی محفوظ است و هر توافق، قرارداد یا مصوبه‌ای که نافی این حق باشد، باطل و بی اعتبار است.

اصل ۱۰: حفاظت از حریم خصوصی در حوزه ارتباطات و مکاتبات

۱. تجاوز به حریم خصوصی افراد در حوزه ارتباطات، مکاتبات و مرسولات چه از طریق بازرسی یا شنود، چه از طریق ضبط و افشای محتویات و چه از طریق جلوگیری از ارسال یا به مقصد رسیدن ممنوع است.

۲. در مواردی که نظم اساسی یا امنیت یا موجودیت کشور در خطر باشد با حکم دادگاه صالحه و در صورت تطابق با قانونی مصرح، می‌توان این حق را در بازه زمانی مشخص از افراد مشخص سلب نمود. تشخیص اطلاع یا عدم اطلاع شخص مورد نظر از محرومیت از حریم خصوصی با قاضی صادر کننده حکم است.

اصل ۱۱: آزادی آمد و شد

۱. تمام شهروندان ایرانی حق دارند آزادانه در سراسر کشور رفت و آمد کنند.
۲. در شرایط خاص می‌توان با اخطار قبلی و به حکم دادگاه این آزادی را محدود کرد. مشروط بر آن که ورود شهروندان به یک محدوده باعث:
 - تهدید فوری علیه موجودیت کشور یا اختلال اساسی در امنیت یا نظم آزاد دموکراتیک مبتنی بر قانون اساسی در کشور یا یک استان شود،
 - یا به علت عدم وجود زیرساخت‌های مناسب باعث ایجاد اختلال اساسی در ارائه خدمات به ساکنین آن منطقه یا اختلال بنیادین در روند زندگی آنان شود.
 - یا موجب گسترش بیماری‌های واگیردار گردد،
 - یا در روند امداد رسانی به مصدومان سوانح و حوادث طبیعی یا غیرطبیعی اختلال ایجاد کند،
 - یا مقدمه‌ای برای قانون شکنی قریب‌الوقوع یا ارتکاب جرایم سازمان یافته باشد.
۳. آزادی‌های منصوص در این اصل شامل ورود به املاک خصوصی بدون اجازه مالک یا متصرف قانونی آن و ورود به املاک محصور و ابنیه حکومتی خلاف ترتیبات قانونی وضع شده از سوی متولی آن نمی‌شود.

اصل ۱۲: حق آیندگان از کشور

با در نظر گرفتن مسئولیت خود در برابر نسل‌های آینده، حکومت و ملت ایران خود را موظف می‌دانند از طریق وضع قوانین مناسب و در چارچوب اختیاراتی که قانون حاضر به نهادهای حکومتی تفویض کرده است ضمن بهره‌برداری صحیح و عقلانی، از منابع طبیعی، آثار تاریخی و بنیان زندگی جانوری و گیاهی میهن حراست کنند.

اصل ۱۳: آزادی پیشه

۱. تمام شهروندان آزادند پیشه، محل اشتغال و محل کارآموزی خود را انتخاب کنند، هرچند اشتغال به آن پیشه باید تابع قوانین و با کسب مجوزهای قانونی لازم باشد.
۲. هیچ کس را نمی‌توان جبراً به پیشه‌ای گماشت یا وظیفه‌ای را به عهده او گذاشت که عرفاً و قانوناً جزو وظایف پیشه اختیار شده توسط او نیست.
۳. این قانون حق اعتصاب را در چارچوب قوانین عادی و برای همه افراد غیرنظامی به رسمیت می‌شناسد. جزییات به عهده قوانین عادی است.
۴. گماشتن افراد به کار اجباری ممنوع است، مگر به عنوان مجازات قانونی توسط دادگاه صالحه.

اصل ۱۴: خدمات اجتماعی

دسترسی به خدمات تأمین اجتماعی حقی است همگانی. دولت موظف است با تنظیم قوانین موانع دستیابی شهروندان به آن را برای شهروندان برطرف کند.

اصل ۱۵: خدمت نظامی

۱. به منظور حفظ آمادگی نظامی کشور، دولت مجاز است دوره‌های آموزشی نظامی برای افرادی که به لحاظ جسمانی مناسب هستند برگزار نمایند، و آنان را مطابق قانون در فهرست‌های ذخیره قرار دهند.
۲. نیروهای نظامی در هیچ شرایطی مجاز به استفاده از خدمات افراد زیر ۱۸ سال تمام نیستند.
۳. برقراری خدمت نظامی اجباری بیش از مدت لازم برای آموزش مقدماتی، در زمان صلح ممنوع و در زمان جنگ صرفاً با کم و کیف مطابق قانون مصوب مجاز است.
۴. در شرایطی که شروع وضعیت دفاعی در کشور در آینده نزدیک (کمتر از ۴۵ روز) محتمل باشد رئیس جمهوری مجاز است پس از کسب موافقت بهارستان اعلام بسیج محدود یا سراسری نماید.
۵. احضار افراد فهرست ذخیره در دوره بسیج مطابق قوانین شرایط دفاعی است.

اصل ۱۶: شهروندی، تبعید و استرداد

۱. شهروندی ایران حق طبیعی هر شخصی است که از پدر یا مادر ایرانی یا در قلمرو قانونی ایران از پدر یا مادری که قانوناً در ایران اقامت دائم دارد متولد شود. شهروندان ایرانی را نمی‌توان از تابعیت ایرانی محروم کرد.
۲. شهروندان ایرانی را نمی‌توان از ورود به کشور از طریق گذرگاه‌های مرزی رسمی و اقامت در قلمروی کشور ایران محروم کرد، ولو به عنوان مجازات قانونی.
۳. هر شهروند مجاز است با رعایت موازین قانونی به میل خود از گذرگاه‌های رسمی از کشور خارج شود، مگر آنکه دادگاه صالحه حکم موقت به منع خروج وی صادر کرده باشد.
۴. هیچ یک از شهروندان ایرانی را نمی‌توان به کشور دیگری مسترد نمود. استرداد به دادگاه‌های بین‌المللی با رعایت مفاد قانون عادی بلامانع است.
۵. دولت ایران مجاز است با رعایت مصالح کشور و مفاد قانون، به اتباع خارجی متقاضی، روادید، مجوز اقامت موقت، اقامت دائم یا تابعیت ایرانی اعطا کند.

اصل ۱۷: پناهندگی

۱. دولت ایران مجاز است به افراد خارجی که در کشور خود به دلایل سیاسی یا عقیدتی تحت تعقیب هستند یا در معرض خطر جدی قرار دارند، پناهندگی اعطا نماید.
۲. متقاضیان پناهندگی باید در جلسه دادگاه با ارائه مستندات اثبات نمایند که به علل سیاسی یا عقیدتی تحت تعقیب هستند یا در صورت بازگشت تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.
۳. متقاضیان پناهندگی مجازند تا زمان برگزاری جلسه مذکور در خاک ایران اقامت کنند.

اصل ۱۸: حق دادخواهی

- همه افراد حق دارند به تنهایی یا جمعا به مراجع قضایی ذی‌صلاح یا قوه مقننه مراجعه و علیه هر شخص حقیقی یا حقوقی اقامه دعوی کنند. هیچ قانونی نمی‌توان وضع کرد که شهروندان را از این حق محروم کند یا به دلیل مراجعه به این مراجع مجازات کند.

اصل ۱۹: حریم منزل

۱. حریم منزل تخلف ناپذیر است. خانه هر شهروند دژ امن و استوار او است، بنابراین هرکس حق دارد در برابر تلاش برای ورود غیرمجاز به خانه خود با روش متناسب از حریم منزل خود دفاع کند.

۲. تفتیش منزل و املاک شخصی شهروندان فقط با حکم منحصر بفرد و مصرح قاضی و فقط توسط مامورین رسمی با پوشش رسمی و مطابق با شیوه قانونی امکان پذیر است.
۳. در مواردی که عبور از یک ملک خصوصی یا ورود به آن برای نیروهای امداد یا انتظامی جهت حفظ جان افراد یا پیشگیری از جنایتی مشهود یا خطری ناگزیر ضروری بوده و فوت وقت ممکن نباشد، آنان مجازند بدون حکم قضایی عمل کنند اما در اولین فرصت باید قاضی مربوطه را درباره این ضرورت اقناع کنند.
۴. اگر دلایل و شواهد کافی برای قرار دادن فردی در مظان اتهام جرم خطیر (با تعریف مصرح در قانون عادی) در اختیار مقامات قضایی قرار گیرد، مقامات مجازند نسبت به نصب ابزارهای شنود و مراقبت در محل اقامت مظنون اقدام نمایند. به شرطی که اولاً نصب و استفاده از این تجهیزات با حکم قضایی قبلی باشد، ثانیاً انجام روش های دیگر تعقیب، مراقبت و بازرسی در آن مورد بخصوص ناکارآمد، خطرناک یا ناممکن باشد و ثالثاً مدت زمان اجرای شنود در حکم مشخص و محدود باشد.
۵. مدارک به دست آمده از این روش به جز در مورد اتهام مصرح در حکم نصب تجهیزات مذکور در سایر موارد به عنوان مدرک جرم قابل ارائه به دادگاه نیست.

اصل ۲۰: مالکیت، میراث و مصادره

۱. حق مالکیت افراد بر آنچه از طریق قانونی کسب کرده، هدیه گرفته یا به ارث برده اند محفوظ است، محتوا و محدوده این حق را قانون مشخص می کند.
۲. مالکیت هر چیز متضمن مسئولیت در قبال آن است.
۳. هرکس نسبت به تعیین شیوه تقسیم میراث خویش مختار است.
۴. مصادره اموال تنها با حکم دادگاه و به هدف جبران خسارت و غرامت یا جریمه ای با مبلغ مشخص مجاز است که محکوم علیه به شیوه دیگری قادر به پرداخت آن نباشد یا از پرداخت آن امتناع کند و ارزش مورد مصادره باید حتی الامکان با میزان خسارت یا غرامت تعیین شده توسط دادگاه متناسب باشد. در مواردی که مورد مصادره قابل تقسیم و افراز نباشد، مابه التفاوت ارزش مورد مصادره و خسارت، غرامت یا جریمه تعیین شده توسط دادگاه، باید به محکوم علیه بازگردانده شود.

اصل ۲۱: محدودیتهای حقوق اساسی در شرایط ویژه

۱. با توافق قبلی و مصرح در قرارداد استخدای می توان از مستخدمین نیروهای نظامی و امنیتی خواست تا محدودیت های علی حده ای را بر آزادی های اساسی خود (مندرج در اصول ۵، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۳) بپذیرند و حق دادخواهی مندرج در اصل ۱۸ آنان را بدو در موارد مشخص و مرتبط با فعالیت های نهاد مربوطه، به مراجع مخصوصی محدود کرد.
۲. در شرایط دفاعی می توان حقوق مصرح در اصل ۱۱ و بند سوم از اصل ۱۹ را موقتاً در منطقه عملیاتی معلق نمود.
۳. اشخاص حقوقی غیردولتی ایرانی نیز از تمام حقوق منصوص در این فصل برخوردارند. طبیعتاً تا حدی که ماهیت متفاوت شخص حقوقی مساله برخورداری آنان را از این حقوق بلاموضوع نکند.
۴. افراد نابالغ و سایر افراد تحت حضانت دیگران در برخی شرایط مشخص که قادر به تحمل مسئولیت قانونی ناشی از اعمالشان نباشند مجاز به اعمال برخی از این حقوق نیستند. تشریح این شرایط به عهده قانون عادی است.

اصل ۲۲: محرومیت از حقوق اساسی

افرادی که پس از یک دادرسی عادلانه مجرم شناخته شوند را می توان به حکم دادگاه و به عنوان مجازات جرم، بر اساس قوانین جزایی از برخی از حقوق مصرح در این قانون محروم نمود. مشخصاً حقوق منصوص در اصل بند ۱ اصل ۱۱ (آزادی تردد)، بند ۱ و ۴ اصل

۱۳ (آزادی انتخاب پیشه و عدم اشتغال به کار اجباری) و بند ۱ اصل ۲۰ (حق مالکیت اموال) با رعایت ملاحظات مندرج در بند ۳ اصل ۲۰.

اصل ۲۳: اعراض از حقوق اساسی

۱. حراست از جامعه‌ای که در آن حقوق اساسی افراد محترم شناخته می‌شود بزرگترین وظیفه اخلاقی یک ملت در برابر نسل‌های آینده است، پس نمی‌توان گذاشت اصحاب ارتجاع و ستم با ابزار آزادی به نبرد آزادی برخیزند. لذا هرکس از آزادی‌های منصوص در این قانون مشخصاً آزادی بیان علی‌الخصوص آزادی نشر و طبع (بند ۱ اصل ۵)، آزادی تعلیم (بند ۳ اصل ۵)، آزادی تجمعات (اصل ۸)، آزادی تشکلات (اصل ۹)، محرمانه بودن ارتباطات و مرسولات (اصل ۱۰)، حق مالکیت (اصل ۲۰) و حق پناهیجویی (اصل ۱۷) به قصد مبارزه با نظم آزاد دموکراتیک مبتنی بر قانون اساسی یا اختلال در جدایی دین از حکومت یا تشویق به اعمال خشونت و آسیب به شهروندان سوء استفاده کند از این حقوق اعراض کرده است. اعلام وصول این اعراض و ابعاد آن بر عهده دادگاه عالی قانون اساسی است.

۲. سه ماه پس از تاریخ رسمیت یافتن این قانون اساسی، هر شخصی که مدعی مقام ولی فقیه، خلیفه مسلمین، ولی امر مسلمین یا القابی مشابه باشد و نیز هرکس که از پس گرفتن بیعت سیاسی خود نسبت به چنان اشخاصی خودداری کند یا پس از این تاریخ با چنین افرادی اعلام بیعت نماید یکسره از تمام حقوق اساسی خود به صورت برگشت‌ناپذیر اعراض کرده، الی‌الابد از ذیل حمایت این قانون اساسی خارج گشته و بدینوسیله خود را نسبت به ملت و کشور جمهوری ایران در «وضع طبیعی» اعلام کرده است.

اصل ۲۴: حدود اعمال محدودیت قانونی بر حقوق اساسی

۱. در مورد هر شخص مجرم، هرگاه نصی قانونی اعمال محدودیتی بر حقوق اساسی وی را تجویز می‌کند، آن باید قانون عام باشد و باید مصرحاً ذکر کرده باشد که کدام یک از حقوق اساسی فرد، به چه کیفیت و کمیت و به استناد کدام اصل قانونی محدود خواهد شد.

۲. در هیچ موردی بنیان حقوق اساسی افراد قابل نقض یا لغو نیست.

۳. هر شهروندی که حقوق او توسط مقام‌های قانونی نقض شده در صورتی که در قانون مرجعی برای رسیدگی در آن مورد خاص معین نشده باشد، می‌تواند به دادگاه‌های عمومی شکایت کند.

اصل ۲۵: ماهیت غیر احصایی منشور حقوق

فهرست حقوق اساسی در این فصل مانع سایر حقوق افراد که از طرق دیگر استنباط شود، نیست.

فصل دوم: کشور ایران و استان‌های آن

اصل ۲۶: بنیادهای حکومت

۱. جمهوری ایران حکومتی است مردم‌سالار، تابع اکید حکومت قانون و مبتنی بر حقوق اساسی که به صورت یک واحد سیاسی مستقل متشکل از ۱۰ استان اداره می‌شود.

۲. حاکمیت و حق اعمال قدرت ناشی از آن در تمام سطوح و اشکال منشعب و مأخوذ از اراده شهروندان ایران به مثابه یک کل واحد و در چارچوب قانون اساسی مورد توافق آنان است. این اراده به صورت مستقیم از طریق انتخابات، همه‌پرسی یا دیگر انواع رای‌گیری، یا به صورت غیرمستقیم از طریق قوای مقننه، قضاییه و مجریه منتخب ملت اعمال می‌شود.

۳. قوای سه‌گانه در این جمهوری دارای حوزه وظایف تفکیک شده هستند.
۴. عملکرد قوه مقننه محدود به قانون اساسی و عملکرد قوای مجریه و قضاییه محدود به قوانین اساسی، عادی و اصل عدالت است.
۵. تک‌تک شهروندان ایران منفرداً یا جمعاً حق دارند در برابر هر شخص یا نهادی که مشروطیت حکومت به قانون اساسی را تهدید می‌کند مقاومت و از دستورات آنان سرپیچی نمایند، مشروط بر آن که قبلاً تمام راه‌های قانونی دیگر پیموده شده و منجر به نتیجه نشده نباشد.

اصل ۲۷: مالکیت عمومی

۱. کشور ایران به صورت یک مفهوم کلی و همچنین تمام املاک و دارایی‌های متعلق به آن جزو اموال عمومی، مشاع و غیرقابل تفکیک یا انتقال ملت ایران چه نسل حاضر و چه نسل‌های آینده است.
۲. دولت جمهوری ایران مجاز است مالکیت فکری و حق تکثیر آنچه را مشاعاً متعلق به کشور ایران است (مانند پرچم، سرود ملی و ...) در حوزه عمومی قرار دهد.

اصل ۲۸: خدشه‌ناپذیری تمامیت ارضی

- کشور ایران یک واحد سیاسی یکپارچه، ابدی و تقسیم‌ناپذیر است. بنابراین هیچ همه‌پرسی، قانون یا قراردادی نمی‌تواند جزیی از قلمرو آن را جدا کند. اصلاحات جزیی خطوط مرزی با همسایگان اگر همراه با تبادل مساوی اراضی باشد، پس از موافقت دو سوم بهارستان بلامانع است.

اصل ۲۹: استان‌ها و تقسیمات کشوری

۱. استان‌ها بزرگترین واحد تقسیمات کشوری هستند. جمهوری ایران در راستای کاهش تمرکز قدرت و بهبود فرآیند تصمیم‌سازی ملی بخشی از حوزه اختیارات قوای سه‌گانه را به نهادهای استانی واگذار می‌کند. حدود این واگذاری در فصل هفتم این قانون مشخص خواهد شد.
۲. ریاست اجرایی هر استان بر عهده یک استاندار است که با رای اعضای انجمن استانی انتخاب می‌شود. هر استان باید دارای نظام‌نامه‌ای باشد که در آن یک انجمن استانی دموکراتیک پیش‌بینی شده باشد.
۳. تشکیل هرگونه اتحادیه یا کنفدراسیون بین استان‌ها خلاف قانون اساسی است. استان‌ها در قوانین خود مجاز نیستند برای یک یا چند استان از میان سایر استان‌ها امتیاز یا محدودیت ویژه تعیین کنند.
۴. هر استان شامل یک یا چند شهرستان است.

اصل ۳۰: ادیان

۱. جمهوری ایران در عین محترم دانستن حقوق پیروان تمام ادیان، مذاهب و عقاید خود را موظف می‌داند که به هیچ وجه منابع عمومی، اعم از منابع مالی، تبلیغاتی و نیروی انسانی را که ملک مشترک تمام شهروندان ایرانی از ادیان و عقاید مختلف است را صرف تقویت یا تضعیف، و تبلیغ له یا علیه هیچ دین و مذهبی ننماید. لذا جمهوری ایران و استان‌های آن «مذهب رسمی» که بر اساس آن افراد را صاحب امتیاز یا محروم از امتیازات اجتماعی کنند، نخواهند داشت.
۲. بهارستان حق ندارد قانونی تصویب کند که آزادی عقیده و مذهب یا آزادی بیان و نقد عقاید محدود کند یا نهادی دینی و مذهبی را تاسیس، توصیه یا تقویت نمایند.

اصل ۳۱: زبان اداری

۱. جایگاه «زبان خدمات حکومتی» از آن زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشوری است و دولت مرکزی خدمات خود را به این زبان ارائه خواهد کرد. کلیه اسناد، مکاتبات و متون رسمی باید به زبان فارسی نیز در دسترس باشد.
۲. استفاده از زبان‌های دیگر در نشریات و رسانه‌ها و تدریس آنها در مدارس و دانشگاه‌های کشور آزاد است.

اصل ۳۲: ارتقاء زبان‌های ملی ایران و زبان آموزش

۱. نظام‌نامه هر استان می‌تواند در کنار زبان فارسی، هر تعداد از زبان‌های ملی دیگر رایج در آن استان را در محدوده خود زبان رسمی استانی اعلام کند. تدوین رسم‌الخط و استانداردهای نوشتاری همه زبان‌های ملی ایران به عهده فرهنگستان زبان ایران است. «زبان ملی رایج در استان» زبانی است که زبان نخست دستکم یک پنجم ساکنان آن استان باشد.
۲. زبان‌های رسمی استانی در حوزه قانونی آن استان نسبت به زبان فارسی واجد جایگاه «برابری مطلق حقوقی» است؛ اسناد، مکاتبات، اوراق رای و متون دولتی باید در کنار زبان فارسی به زبان رسمی استانی نیز منتشر شود، اسناد خصوصی و قراردادهای به آن زبان نیز رسمیت دارد و نسخه‌ای از روزنامه رسمی کشور باید به آن زبان انتشار یابد. برگه‌های رای و اوراق راهنمای انتخاباتی در انتخابات سراسری و استانی در هر استان باید علاوه بر زبان ملی به زبان یا زبان‌های رسمی استانی نیز منتشر گردد. هزینه‌های مربوطه به عهده استانداری‌ها است.
۳. در هر صورت محتوای ارائه شده در برنامه درسی مدارس به هر زبان که باشد، باید معیارهای کیفی «هیئت امنای مشترک مدارس کشور» را دارا باشد.
۴. انتخاب زبان اداری و تدریس (زبان رسمی ملی، رسمی استانی یا زبان خارجی) در دانشگاه‌های دولتی به عهده هیئت دولت و در هر یک از دانشگاه‌های خصوصی کشور به عهده هیئت امناء همان دانشگاه است.

اصل ۳۳: تقویم رسمی کشور

۱. تقویم رسمی کشور تقویم خورشیدی مصوب ۲ اسفند ۱۲۸۹ با اصلاحات مصوب ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ است. روز یکم فروردین (نوروز) تعطیل رسمی است.
۲. تعیین سایر تعطیلات رسمی بر عهده قوانین عادی خواهد بود.
۳. تعیین روز یا روزهای تعطیل هفتگی کشور بر عهده بهارستان است.

اصل ۳۴: پرچم، نمادهای ملی و پایتخت

۱. پرچم رسمی جمهوری ایران، بیرق سبز و سپید و سرخ است با مشخصاتی که در قانون عادی معین خواهد شد.
۲. خاتم کبیر جمهوری مطابق مصوبه مهستان مشخص خواهد شد.
۳. تعیین پرچم و نشان نهادهای حکومتی بر عهده موسسه نشان‌شناسی ایران زیر نظر مهستان است.
۴. پایتخت ایران، شهر تهران است. حکومت ملی موظف است تمام اجزاء جمهوری را به مثابه یک کل واحد در پایتخت نمایندگی کند. جزییات نحوه این نمایندگی موضوع قانون عادی است.
۵. تعیین سرود ملی، واحد پولی و سایر نمادهای ملی بر عهده بهارستان است.
۶. مخدوش کردن پرچم رسمی جمهوری ایران یا سوءاستفاده از آن یا سایر نشان‌های رسمی حکومت ممنوع و مستوجب کیفر خواهد بود.

اصل ۳۵: احزاب سیاسی

۱. تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی آزاد است، اما برای شرکت در فرآیندهای قانونی باید در مراجع قانونی ثبت شوند. سازماندهی درونی احزاب باید در هماهنگی با اصول دموکراتیک باشد.
۲. دارایی‌ها، منابع درآمد و نحوه هزینه‌کرد بودجه احزاب باید برای مراجع قانونی قابل دسترس باشد.
۳. همه شهروندان باستثناء نظامیان (تا یک سال پس از اتمام خدمت فعال)، افراد دارای سوءسابقه در زمینه تروریسم، روحانیون ثبت‌شده و کارکنان قوه قضاییه حق دارند به دلخواه به عضویت هر تعداد تشکل و حزب سیاسی درآیند یا تشکل و حزب سیاسی مورد نظر خود را تاسیس نمایند.
۴. احزاب نباید از نهادهایی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند یا از سازمان‌های مردم‌نهادی که از معافیت مالیاتی بهره می‌برند یا از دولت‌ها، نهادها و اتباع خارجی کمک مالی دریافت کنند.
۵. دادگاه عالی قانون اساسی می‌تواند احزابی را که هدف از تشکیل یا برنامه عملیاتی اصلی آن‌ها صدمه به موجودیت کشور، صلح بین‌المللی، نظم آزاد دموکراتیک مبتنی بر قانون اساسی، جدایی نهاد دین از نهاد حکومت یا الغاء منشور آزادی‌های مشروع شهروندان باشد از فعالیت منع یا منحل نماید.
۶. دادگاه عالی قانون اساسی می‌تواند احزابی را که به صورت سازمان‌یافته مرتکب اعمال خلاف قانون اساسی، قانون احزاب و قانون انتخابات شوند را برای مدت معین از فعالیت منع یا جریمه کند.
۷. مرجع رسیدگی به تخلفات غیرسازمان‌یافته اعضای احزاب بر عهده دادگاه‌های عمومی است.

اصل ۳۶: معاهدات بین‌المللی

۱. دولت جمهوری ایران مجاز است از طریق وضع قانون و مشروط بر رعایت اصل برگشت‌پذیری و احترام متقابل بین‌المللی و عدم ایجاد تهدید علیه استقلال، تمامیت ارضی و آزادی‌های اساسی شهروندان ایران به سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی ملحق شود.
۲. صرفاً نهادهای ملی مجازند اختلافات خود را با سایر کشورها از طریق مراجعه به دادگاه‌ها یا نهادهای قضایی بین‌المللی حل‌وفصل نمایند.

اصل ۳۷: تبعیت از تعهدات بین‌المللی

۱. قوانین موصول مجلسین نباید با قراردادها و پیمان‌های بین‌المللی که جمهوری ایران با تایید بهارستان اجرای آن‌ها را رسماً تعهد کرده است، متباین باشند.

اصل ۳۸: حراست از صلح

۱. جمهوری ایران توسل به قوه قهریه را جز در مقام دفاع، ابزاری مشروع برای اعمال اراده خود در صحنه بین‌الملل نمی‌داند. لذا هر عملی که با نیت یا اثر بر هم زدن صلح جهانی یا منطقه‌ای و تضعیف رابطه صلح آمیز ایران با سایر کشورها انجام شود برخلاف قانون اساسی و مستوجب کیفر است. جزییات به عهده قانون عادی است.
۲. تولید، جابجایی و داد و ستد تسلیحات نظامی حق انحصاری حکومت ملی است که می‌تواند وفق قانون از طریق اعطای مجوز به اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر واگذار یا تفویض کند. جزییات به عهده قوانین عادی است.
۳. همه دادستان‌های کشور حق تعقیب جرائم مرتبط با نقض حقوق بشر، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی را صرف نظر از حوزه قضایی وقوع جرم دارند. همچنین تمام قضات دادگاه‌های کیفری واجد صلاحیت رسیدگی به این اتهامات هستند.

اصل ۳۹: ناوگان تجاری

تمامی شناورهای غیرنظامی متعلق به نهادهای حکومتی، اشخاص یا شرکت‌های ایرانی عضوی از یک ناوگان تجاری واحد هستند که تحت یک پرچم دریانوردی می‌کنند.

اصل ۴۰: نظام‌نامه استانی و اختیارات شهرها

۱. اختیارات اداره امور محدوده‌های شهری در سراسر کشور بر عهده شوراهای شهر و شهرداری‌ها است.
۲. شوراهای استانی مجاز نیستند از طریق تصویب قوانین یا سلب امتیاز شهر بودن، اختیارات شوراهای شهر را از دست آنان خارج کنند. چنانچه لازم شود یک نقطه شهری به دلیل متروکه شدن از امتیاز شهر بودن محروم شود این امر تنها با رای دادگاه عالی اداری ممکن است.

اصل ۴۱: تغییر مرزهای استان‌ها

هرگونه تغییر در مرزهای استان‌ها تنها با تصویب بهارستان و برگزاری همه‌پرسی در همه استان‌های متأثر از آن مصوبه ممکن است.

اصل ۴۲: حق حاکمیت تفویض شده به استان‌ها

۱. باستثناء موارد مصرح در این قانون که در حوزه اختیار نهادهای ملی یا استان‌ها قرار گرفته، سایر حوزه‌های تقنینی در حوزه مشترک قرار دارند.
۲. نظام‌نامه هر استان باید تضمین کند که اهالی آن استان تحت سامانی جمهوری، دموکراتیک و مدنی زندگی کنند که در آن «حکومت قانون» در چارچوب قانون اساسی ملی جاری است و مردم در آن سامان از طریق انجمنی منتخب نمایندگی شوند که با رای آزاد، برابر، دوره‌ای، مستقیم و مخفی برگزیده شده.

اصل ۴۳: اولویت قوانین ملی

در صورت تعارض قوانین ملی و استانی در حوزه صلاحیت مشترک، اولویت با قوانین ملی است.

اصل ۴۴: روابط بین‌المللی

روابط با کشورهای خارجی از اختیارات انحصاری دولت ملی است.

اصل ۴۵: حقوق شهروندی برابر و خدمت عمومی

۱. همه ایرانیان متولد و ساکن هر استان که باشند از حقوق و وظایف اجتماعی برابر برخوردارند. کسی را نمی‌توان به استناد استان محل تولد از اشتغال به مناصب انتخابی و انتصابی در سایر استان‌ها محروم نمود.
۲. تصدی هیچ منصب یا نامزدی برای آن نباید بر اساس دین، مذهب یا عقیده معنوی یا فلسفی، قومیت یا زبان باشد، به واسطه این امور هیچ کس را از تصدی یا نامزدی برای مناصب نیز نمی‌توان منع کرد.
۳. هیچ مانعی یا محدودیتی بر اساس قومیت، زبان، نژاد و محل ولادت نمی‌توان بر حق انتخاب محل سکونت شهروندان اعمال کرد.

اصل ۴۶: مسئولیت مقامات رسمی

هر فردی که در خدمت قانونی نهادهای عمومی است، مسئولیت قانونی خسارات و لطمات وارده به اشخاص ثالث بر اثر انجام وظیفه او در جایگاه یک مقام رسمی به صورت عام بر عهده حکومت و به صورت خاص بر عهده نهاد مربوطه است، اما در صورت تقصیر و تخلف عمدی یا قصور عمده، حق تعقیب و مجازات منصب‌دار خاطی برای حکومت محفوظ است.

اصل ۴۷: همیاری در هنگام فجایع

۱. در مواقع بحرانی که کنترل امور از عهده نهادهای استانی خارج باشد، مقامات استانی مجازند از نیروهای انتظامی یا نظامی دولت ملی استمداد کنند یا حتی در صورت نیاز اختیار این نهادها را موقتاً به دولت مرکزی واگذار کنند.
۲. در شرایطی که مقامات استانی به سبب سوانح یا فجایع غیر مترقبه ناموجود یا خارج از دسترس باشند یا بحران مذکور مقامات استانی را در اداره امور چنان ناتوان کرده باشد که درخواست استمداد پیرو بند فوق برای آنان ممکن نباشد یا سهواً یا عمداً چنان از انجام وظایف قانونی خود فروگذار کرده باشند که سر رشته امور از دست نهادهای قانونی استان خارج شده باشد یا تعلل مقامات استانی در استمداد خطر بسط بحران یا فاجعه به سایر استانها یا به خطر انداختن امنیت کل کشور را ایجاد کرده باشد، دولت مرکزی مجاز است با کسب موافقت مهستان اختیارات هر یک از نهادهای استانی را موقتاً تعلیق و از توان نهادهای ملی جهت رفع بحران استفاده کند.
۳. در صورت نیاز تعلیق مذکور در بند سابق باید هر ۹۰ روز مجدداً به تایید مهستان برسد.

اصل ۴۸: اجرای ملی و محلی وظایف استانی

مسئولیت اجرای قوانین ملی در محدوده هر استان بر عهده نهادهای همان استان است مگر در مواردی که صراحتاً روال دیگری پیش‌بینی شده باشد.

فصل سوم: بهارستان – تالار سفلی: مجلس شورای ملی

اصل ۴۹: ساختار پارلمان

پارلمان جمهوری ایران یک نهاد قانون‌گذاری دو مجلسی است که تنها مرجع و نهاد واجد قدرت و حق قانون‌گذاری در کشور است. دو مجلس پارلمان ایران، مجلس شورای ملی و مهستان ایران، مجموعاً بهارستان نامیده خواهند شد.

اصل ۵۰: حق رای

۱. انتخاب‌کنندگان در تمام رای‌گیری‌های ملی باید شهروند ایران، حداقل ۱۸ ساله و دارای توانایی خواندن و نوشتن بدون نیاز به کمک گرفتن از دیگری باشند.
۲. افراد مهجور و تحت قیمیت غیر، فاقد حق رای هستند.
۳. استان‌ها حق ندارند قانونی تصویب کنند که حق رای در انتخابات محلی را بر اساس جنسیت، نژاد، زبان، دین، اصالت خانوادگی و محل تولد محدود کند.

اصل ۵۱: انتخابات سراسری

۱. اعضای مجلس شورای ملی ایران (به اختصار شورای ملی) از طریق آراء عمومی برابر و مخفی در یک انتخاب آزاد، مستقیم و دوره‌ای انتخاب خواهند شد. هر یک از آن‌ها نماینده تمام ملت ایران هستند و در انجام وظایف نمایندگی و اظهارنظر در این حوزه تنها در برابر وجدان خود و قانون اساسی مسئول اند.
۲. نامزدها در این انتخابات باید دارای حق رای و فاقد تابعیت مضاعف باشند و همچنین از حداقل ۶ ماه پیش از تاریخ مقرر انتخابات نباید شاغل به هیچ شغل و منصبی باشند که متضمن دریافت دستمزد یا هرگونه پرداخت و پاداش مالی از قوه مجریه است و در صورت انتخاب شدن نباید چنین منصبی را در طول نمایندگی بپذیرند.
۳. نامزدها نباید عضو فعال نیروهای نظامی باشند یا نام آن‌ها در فهرست روحانیون رسمی ثبت شده باشد.

۴. تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی ۱۸۱ نفر است.
۵. جزییات قانون انتخابات شورای ملی در صلاحیت قانون عادی است.

اصل ۵۲: دوره و شیوه تشکیل

۱. مدت هر دوره مجلس شورای ملی رسماً ۴ سال است اما اگر آغاز دوره بعدی به دلایل غیرمترقبه به تعویق بیافتد هر مجلس تا یک روز قبل از تشکیل اولین جلسه دوره بعد به خدمت ادامه خواهد داد.
۲. روز افتتاحیه رسمی هر دوره از مجلس شورای ملی ایران ۱۴ مرداد است. انتخابات هر دوره باید حداکثر ۴۵ روز و حداقل ۲۵ روز قبل از این تاریخ برگزار شود.
۳. نمایندگان مجلس شورای ملی حق استعفا از خدمت یا تفویض حقوق نمایندگی خود به غیر را ندارند.
۴. آغاز، قطع و ادامه جلسات صرفاً در اختیار خود مجلس شورا است.
۵. چنانچه مجلس شورای ملی مطابق تمهیدات مقرر در این قانون اساسی یا به دلیل غیرممکن شدن رسیدن به حد نصاب قانونی تشکیل جلسه به علت شرایط یا حادثه‌ای غیر مترقبه، معلق اعلام شود، انتخابات میان‌دوره‌ای باید در فاصله حداکثر ۶۰ روز پس از اعلام رسمی تعلیق مجلس برگزار شود. مجلس حاصل از انتخابات میان‌دوره‌ای ادامه دوره قبلی محسوب می‌شود نه یک دوره جدید و دوره خدمت آن تا همان زمانی است که قرار بود دوره اصلی به پایان برسد.
۶. در صورتی که تعلیق فوق‌الذکر در شش ماه پایانی دوره مجلس اتفاق افتاده باشد، مجلس حاصل از انتخابات میان‌دوره‌ای یک دوره جدید محسوب می‌شود و مدت باقی‌مانده از دوره قبلی به آن اضافه می‌شود.
۷. مجلس معلق شده جز در موارد اضطراری و به دعوت رئیس جمهوری حق تشکیل جلسه ندارد.

اصل ۵۳: ریاست مجلس

رئیس مجلس به همراه نواب رئیس و سایر اعضای هیئت رئیسه در اولین جلسه رسمی با رای مستقیم نمایندگان انتخاب می‌شوند، رئیس مجلس و در غیاب او هر یک از نواب رئیس که ریاست موقت جلسه را بر عهده دارد، مسئولیت اداره جلسات و اختیارات انحصاری انتظامی و برقراری نظم در محدوده ساختمان مجلس را بر عهده دارد. هیچ مقامی صلاحیت تعلیق، نقض یا دخالت در اختیارات انتظامی رئیس مجلس را ندارد.

اصل ۵۴: تایید صحت انتخابات

۱. نظارت و تایید صحت انتخابات به عهده کمیسیون ملی انتخابات (موضوع اصل ۱۰۴) است. همچنین تایید و رد اعتبارنامه نمایندگی و لغو مصونیت قضایی نمایندگان هر مجلس در انحصار خود آن مجلس است.
۲. می‌توان به تصمیمات کمیسیون ملی انتخابات کلاً یا جزئاً نزد دادگاه عالی قانون اساسی شکایت کرد. جزییات در محدوده قانون عادی است.

اصل ۵۵: جلسات و تصمیمات

۱. جلسات مجلس شورای ملی باید علنی باشد.
۲. مجلس شورای ملی مطابق تقویم سالانه مصوب خود گردهمایی می‌کند. در خارج از این زمان‌ها تشکیل جلسات اضطراری به دعوت رئیس مجلس یا پیشنهاد یک چهارم نمایندگان یا درخواست نخست‌وزیر یا رئیس جمهوری امکان پذیر است.
۳. به پیشنهاد یک دهم نمایندگان مجلس شورای ملی یا رئیس جمهوری یا نخست‌وزیر؛ شورای ملی می‌تواند جلسه غیرعلنی برگزار کند مشروط بر موافقت دو سوم نمایندگان حاضر. علنی یا غیرعلنی بودن جلسه رای‌گیری درباره پیشنهاد تشکیل جلسه غیرعلنی به تصمیم رئیس مجلس است.

۴. جلسات شور و مباحثه با حضور نصف بعلاوه یک نفر از نمایندگان رسمیت می‌یابد اما برای رای‌گیری حداقل سه پنجم کل نمایندگان باید حاضر باشند.
۵. مگر در مواردی که صراحتاً حد نصاب دیگری در قانون اساسی مشخص شده است، تصمیمات مجلس با رای موافق حداقل نیمی از اعضای حاضر در جلسه که رای غیر ممتنع داده باشند تصویب می‌شوند، مشروط بر آنکه تعداد آراء موافق کمتر از ۵۵ رای نباشد.
۶. تصمیمات و مباحثات جلسات علنی مجلس شورای ملی و کمیسیون‌های آن غیرمحرمانه است و نمی‌توان ولو با وضع قانون در نشر آن محدودیت ایجاد کرد یا مجازاتی برای منتشرکنندگان تعیین نمود.

اصل ۵۶: حق احضار، حق شرکت و حق نطق

۱. مجلس شورای ملی و کمیسیون‌های آن حق احضار و کسب توضیح از تمامی اعضای دولت ملی را دارند.
۲. اعضای مهستان و دولت ملی حق دارند به میل خود در جلسات شورای ملی حاضر شوند و با هماهنگی قبلی نطق کنند. رئیس جمهوری، نخست‌وزیر یا فرستاده آنان می‌توانند در جلسات کمیسیون‌های پارلمان شرکت کنند.

اصل ۵۷: کمیسیون تحقیق و تفحص

۱. شورای ملی مجاز است در هر زمینه از امور کشور با پیشنهاد حداقل یک چهارم اعضا و پس از تصویب در جلسه، از طریق تشکیل کمیسیون‌های تحقیق و تفحص به بررسی بپردازد.
۲. کمیسیون تحقیق و تفحص مجاز است با رعایت قواعد دادرسی و حقوق قانونی افراد، در جلسات استماع علنی یا غیرعلنی به بررسی شواهد و مدارک مربوطه بپردازد و نتیجه را در گزارشی به شورای ملی اعلام کند. شورای ملی مجاز است گزارش را در اختیار مقامات قضایی جهت پیگیری قرار دهد.
۳. مقامات قضایی و اجرایی موظف به همکاری با کمیسیون تحقیق هستند.
۴. تصمیمات کمیسیون تحقیق توسط مقامات قضایی (به جز دادگاه عالی قانون اساسی) قابل لغو نیست و این تصمیمات پس از تایید گزارش توسط مجلس در حکم قانون است و محتویات گزارش می‌تواند توسط دادگاه مورد استناد و مبنای صدور حکم قرار گیرد.

اصل ۵۸: کمیسیون‌های تخصصی

- پارلمان مجاز است بخشی از وظایف غیر تقنینی خود را به کمیسیون‌های تخصصی مرکب از نمایندگان مجلس شورا واگذار نماید. این کمیسیون‌ها می‌توانند با رعایت طبقه‌بندی اسناد از مشورت و نیروی پژوهشی افرادی خارج از نمایندگان مجلس شورا نیز بهره ببرند.

اصل ۵۹: کمیسیون تظلمات

- مجلس شورای ملی موظف است یک کمیسیون ویژه به دریافت شکایات مردمی از نهادهای دولتی در چارچوب اصل ۱۸ این قانون اختصاص دهد. حدود اختیارات این کمیسیون در قانون عادی مشخص خواهد شد.

اصل ۶۰: مصونیت قضایی

۱. در هیچ شرایطی نمی‌توان نماینده مجلس شورای ملی یا مهستان را به علت دادن یا ندادن رای، یا اظهار نظری که در صحن یا کمیسیون‌های مجلسین انجام داده و سایر فعالیت‌هایی که به تشخیص کمیسیون انضباطی مجلس مربوطه جزو شئون نمایندگی است؛ توسط مرجعی خارج از مجلس تحت تعقیب قضایی یا مجازات قرار داد.

۲. بازداشت و تعقیب قضایی نمایندگان شورای ملی یا مهستان برای جرائم و تخلفاتی خارج از موارد فوق بدون موافقت قبلی مجلس با لغو مصونیت قضایی نماینده مورد نظر ممکن نیست. مگر مواردی که بازداشت در حین ارتکاب جرم یا حداکثر ۱۲ ساعت پس از آن انجام گرفته باشد. در هر صورت رای منفی کمیسیون انضباطی مجلس به درخواست لغو مصونیت قضایی نماینده به منزله قرار تعلیق تعقیب است.
۳. اتهامات انضباطی نمایندگان تنها توسط کمیسیون انضباطی مجلس قابل پیگیری است.

اصل ۶۱: حق رازداری

۱. نمایندگان مجلس شورای ملی و مهستان مجازند اطلاعات یا اسناد مربوط به آن اطلاعات را که افراد، تحت اعتماد به نمایندگان مجلس در اختیار آنان گذاشته‌اند و همچنین اطلاعات هویتی افرادی که چنین اطلاعات یا اسنادی را در اختیار ایشان گذاشته‌اند را از مقامات قضایی و سایر مراجع رسمی پنهان و کتمان کنند. اسناد و اطلاعات خصوصی متعلق به شخص ثالث از این اصل مستثنی هستند.
۲. ضبط و مصادره یا جستجو و تفتیش به نیت کشف و ضبط اطلاعات و اسنادی که تحت این اصل کتمان شده است یا تفتیش به نیت کشف هویت کسانی که این اطلاعات را در اختیار نمایندگان گذاشته‌اند، در حوزه اختیار هیچ یک از مقامات قضایی و انتظامی نیست.

اصل ۶۲: برکناری وزرا

- مجلس شورای ملی مجاز است با برگزاری جلسه علنی با حق دفاع وزیر مربوطه، هر یک از وزرای دولت را استیضاح کند. در صورتی که نیمی از حاضرین جلسه به وزیر مذکور رای عدم اعتماد بدهند، رئیس جمهوری موظف است طی سه روز کاری حکم عزل او را صادر و دستور معرفی وزیر دیگری را به نخست‌وزیر ابلاغ کند.

فصل چهارم: بهارستان – تالار علیا: مهستان

اصل ۶۳: نقش مهستان

مهستان ایران مجمع عالی قانون‌گذاری است و وظیفه نمایندگی استان‌ها در قوه مقننه را بر عهده دارد.

اصل ۶۴: ترکیب و انتخابات

۱. مهستان متشکل از ۸۱ کرسی است: ۴۱ کرسی انتخابی به نمایندگی از سوی مردم استان‌های مختلف و ۴۰ کرسی افتخاری از میان ارشدترین دارندگان نشان عالی دماوند از درجه اول تا سوم.
۲. اعضای افتخاری مادامی که نشان دماوند قانونا از ایشان سلب نشده، در بین ارشدترین دارندگان نشان بمانند و واجد سایر شرایط مندرج در بند ۵ این اصل باشند، هر سال برای شرکت در مهستان دعوت خواهند شد. مدعوین برای عضویت افتخاری مهستان مختارند دعوت مذکور را نپذیرند، در این صورت تا ۵ سال از آنان مجددا دعوت به عمل نخواهد آمد.
۳. بازنگری ترتیب ارشدیت دارندگان نشان عالی دماوند، تدوین فهرست واجدین شرایط و دعوت از آنان در اولین روز کاری هر تابستان توسط یک کمیسیون دو نفره متشکل از مسن‌ترین و جوان‌ترین عضو انتخابی مهستان انجام خواهد شد.
۴. شیوه انتخاب اعضای انتخابی «رای منفرد انتقالی» در سطح هر استان است.
۵. اعضا در تاریخ انتخاب یا دعوت شدن باید دستکم ۳۰ ساله، منحصرا تابع ایران، در ۵ سال اخیر فاقد سابقه کیفری منجر به مجازات ۱ سال حبس یا شدیدتر بوده و اعضای انتخابی در ۱۰ سال اخیر باید اقلا ۵ سال ساکن حوزه انتخابیه مربوطه باشند.

همچنین اعضای مهستان نباید عضو مجلس شورای ملی یا شاغل به هیچ شغل و منصب دیگری باشند که متضمن دریافت دستمزد یا پاداش مالی از قوای سه‌گانه است و نباید چنین مناصبی را در طول نمایندگی بپذیرند.

۶. دوره خدمت اعضای انتخابی مهستان ۶ سال است و اعضا مجاز به استعفا نیستند.

اصل ۶۵: ریاست و شیوه اداره مهستان

۱. اعضای مهستان از میان خود هیئت‌رئیس‌های برای مدت دو سال انتخاب می‌کنند. رئیس مهستان یا هر یک از نواب وی که جلسه را اداره می‌کند، اختیارات انتظامی در محدوده ساختمان مهستان را بر عهده دارد. هیچ مقامی صلاحیت لغو و یا نقض اختیارات انتظامی رئیس مهستان را ندارد. در جلساتی که دستور جلسه اعلام آغاز یا پایان وضعیت دفاعی است ریاست جلسه با شخص ریاست جمهوری است.
۲. جلسات مهستان به درخواست اکثریت نمایندگان حداقل سه استان یا به درخواست رئیس جمهور یا نخست‌وزیر برگزار می‌شود. جلسات با حضور حداقل نیمی از نمایندگان افتخاری و نیمی از نمایندگان انتخابی رسمیت می‌یابد و تصمیمات این جلسات فارغ از تعداد حضار با کسب حداقل ۴۱ رای موافق اخذ خواهد شد مگر در مواردی که صراحتاً نصاب دیگری مشخص شود.
۳. مهستان حق تشکیل کمیسیون در موارد لازم را دارد. مشروط بر اینکه تعداد اعضای هر کمیسیون دائمی کمتر از ۷ نفر نباشد و هیچ یک از اعضا عضو بیش از ۲ کمیسیون دائمی و یک کمیسیون موقت نباشد.

اصل ۶۶: ترخیص از خدمت

۱. اگر یکی از اعضای مهستان مرتکب تخلفی شود که مستلزم لغو مصونیت قضایی باشد، می‌توان با توصیه کمیسیون انضباطی و رای موافق اکثریت مهستان وی را از خدمت مرخص کرد.
۲. هر عضو مهستان در شرایط زیر خود به خود صلاحیت حضور در ادامه دوره جاری این مجلس را از دست می‌دهد:
 - در سه جلسه رای‌گیری متوالی مهستان در سه روز مختلف یا یک چهارم از کل جلسات رای‌گیری برگزار شده مهستان در یک سال غایب باشد،
 - تابعیت کشور دیگری را پذیرفته یا سوگند وفاداری به آن یاد کند،
 - اعلام ورشکستگی کند،
 - محل اقامت قانونی خود را از استان محل انتخاب خود تغییر دهد،
 - شرط آخر مندرج در بند ۵ اصل ۶۴ این قانون را نقض کند.

اصل ۶۷: حضور اعضای دولت

۱. اعضای دولت و استانداران در صورت احضار موظف‌اند در جلسات مهستان یا کمیسیون‌های آن حضور یابند و حق دارند با هماهنگی با رئیس جلسه در جلسات مهستان یا کمیسیون‌های آن حضور یابند یا نطق کنند.
۲. رئیس مجلس شورای ملی حق دارد در هر زمان با اعلام قبلی به رئیس مهستان به صحن مهستان دسترسی داشته باشد و شنیده شود.

اصل ۶۸: حوزه اختیارات مهستان

۱. حوزه اختیارات مهستان به جز در مواردی که صراحتاً یا ضمناً در این قانون مختص مجلس شورای ملی شده است، با مجلس شورای ملی مشترک است.

۲. صرفا مهستان حق دارد برکناری هر یک از مقاماتی را که رئیس جمهوری بدون نیاز به مشورت و تایید مجلس شورای ملی منصوب کرده است، درخواست کند.

فصل پنجم: ریاست جمهوری

اصل ۶۹: انتخاب رئیس جمهوری

۱. هرگاه دوره ریاست جمهوری به پایان برسد، یا جایگاه رئیس جمهوری به هر علت خالی شود، ارشدترین عضو افتخاری مهستان که دارای شرایط زیر باشد وظایف این جایگاه را بر عهده می گیرد.
 - از بدو تولد منحصرا تابع ایران باشد.
 - دستکم ۴۰ ساله باشد.
 - در ۵ سال منتهی به انتخابش مقیم ایران باشد.
- خدمه دولتی مامور به خارج از کشور و اشخاصی که به تشخیص دادگاه عالی قانون اساسی رسماً یا عملاً توسط نظام سابق از کشور تبعید یا اخراج شده بودند، از شرط اخیر معافند.
۲. طول دوره ریاست جمهوری ۶ سال است و تجدید و تمدید آن مجاز نیست.
۳. افراد زیر واجد شرایط برای تصدی ریاست جمهوری نیستند:
 - خدمه سابق قوای نظامی و انتظامی تا ۱۰ سال پس از پایان خدمت فعال.
 - مقامات رسمی نهادهای دینی و روحانیون ثبت شده.
 - روسای سابق جمهوری که در یک یا چند نوبت مجموعاً بیش از ۴ سال تمام در جایگاه رئیس جمهوری خدمت کرده باشند.

اصل ۷۰: محدودیت‌ها

۱. جز کرسی سابق خود در مهستان، رئیس جمهوری نمی تواند همزمان واجد سمت دیگری در قوای مجریه، مقننه و قضاییه یا قوای نظامی و انتظامی ملی یا هر یک از استان ها باشد. انجام سوگند ریاست جمهوری به صورت خودکار به منزله استعفا قطعی از تمامی سمت های مذکور است.
۲. رئیس جمهوری نباید دارای هیچ سمت و جایگاه دارای حقوق مادی دیگری جز ریاست جمهوری باشد. همچنین نباید مشغول به هرگونه پیشه یا تجارتی خصوصی باشد یا عضو هیئت مدیره یا هیئت امنای موسسه یا نهادی انتفاعی باشد.

اصل ۷۱: پایان غیر منتظره دوره ریاست جمهوری

۱. در صورتی که رئیس جمهوری موقتاً قادر به ادامه انجام وظیفه نباشد، ارشدترین عضو افتخاری مهستان پس از وی وظایف رئیس جمهوری را موقتاً بر عهده می گیرد. در صورتی که وی واجد مندرج در اصل ۶۹ نباشد این وظیفه به ترتیب ارشدیت به سایر اعضای افتخاری مهستان محول خواهد شد.
۲. ناتوانی موقت منظور این اصل تحت هیچ شرایطی نمی تواند بیش از ۴۵ روز به طول بیانجامد. در صورتی که مدت شرایط مذکور از ۴۵ روز تجاوز کند، ناتوانی دائم فرض شده، رئیس جمهوری قبلی خود به خود معزول می گردد.
۳. رئیس جمهوری موقت در دوره ۴۵ روزه خود مشمول محدودیت های ذیل اصل ۷۰ این قانون نیست.
۴. نخست وزیر یا کفیل نخست وزیری تحت هیچ شرایطی نمی تواند متصدی سمت ریاست جمهوری موقت یا جانشین گردد.

اصل ۷۲: سوگند

۱. رئیس جمهوری باید در روز شروع مسئولیتش در مجلس شورای ملی و در حضور قضات دادگاه عالی قانون اساسی سوگند یاد کند. اجرای مراسم سوگند بر عهده قاضی ارشد است.
۲. ریاست جمهوری موقت در حضور یک قاضی سوگند یاد می‌کند.
۳. متن سوگند ریاست جمهوری به شرح زیر است: «اینجانب (نام کامل شخص) اکنون سوگند یاد می‌کنم تا وفادارانه و صادقانه در سمت ریاست جمهوری ایران خدمت کنم و با تمام توان از قانون اساسی و حقوق و منافع ملت ایران دفاع، حراست و حفاظت نمایم». در صورتی که سوگند یاد نمودن با باورهای شخصی رئیس جمهوری مغایرت داشته باشد، وی مجاز است به جای عبارت «سوگند یاد می‌کنم» در متن سوگند از عبارت «تعهد می‌کنم» استفاده کند.

اصل ۷۳: اختیارات و امتیازات رئیس جمهوری

۱. اختیارات ذیل انحصارا متعلق به جایگاه ریاست جمهوری است
 - اختیار نصب قضات کشوری با تایید مهستان
 - اختیار نصب قضات دادگاه عالی قانون اساسی با تایید بهارستان
 - اختیار عزل و نصب کارکنان دولت ملی به تقاضا و معرفی نخست‌وزیر (کارکنان نهاد ریاست جمهوری و خود نخست‌وزیر از شرط «تقاضای نخست‌وزیر» مستثنی هستند)
 - اختیار عزل و نصب، ترفیع یا تنزیل درجه امرای نیروهای نظامی و انتظامی ملی با تایید مهستان
 - اختیار عزل و نصب، ترفیع یا تنزیل درجه افسران نیروهای نظامی و انتظامی ملی با درخواست وزیر دفاع
 - عفو یا تخفیف مجازات محکومین دادگاه‌های کشوری
 - اعلان حالت جنگ، صلح، بسیج و وضعیت اضطراری پس از کسب موافقت بهارستان
 - سایر اختیاراتی که در اصول دیگر این قانون به این مقام اعطا شده است.
۲. رئیس جمهوری در طول دوره خدمت دارای مصونیت مطلق قضایی است.
۳. تمامی کارکنان مشمول این اصل پس از دریافت حکم انتصاب از رییس جمهور و قبل از شروع به کار باید در برابر ابلاغ کننده حکم یا یک قاضی رسمی سوگند وفاداری به قانون اساسی یاد نماید. متن سوگند برابر مصوبه مجلس شورای ملی خواهد بود.

اصل ۷۴: اختیارات دیپلماتیک

۱. رئیس جمهوری عالی‌ترین نماینده کشور در روابط بین‌المللی محسوب می‌شود. وی به نمایندگی از طرف جمهوری ایران قراردادهای و معاهدات با دول خارجی را منعقد می‌کند، سفرا و نمایندگان دیپلماتیک را با تایید وزیر امور خارجه نزد دیگر کشورها می‌فرستد و استوارنامه فرستادگان آنها را می‌پذیرد.
۲. قراردادهایی که روابط خارجی جمهوری را تنظیم می‌کنند یا تغییری در شرایط قانونی داخلی یا خارجی آن می‌دهند باید به تایید مجلسین برسند. مقاوله‌نامه‌ها و توافق‌نامه‌های اجرایی باید به تصویب هیئت دولت برسند.

اصل ۷۵: توشیح متقابل

- دستورات و فرامین صادره از طرف ریاست جمهوری برای قانونی شدن محتاج توشیح متقابل نخست‌وزیر یا وزیر مربوطه است. فرمان نصب و عزل نخست‌وزیر، عزل و نصب قضات، اعلان تشکیل، تعطیل و تعلیق پارلمان، دعوت‌نامه برای تشکیل جلسه اضطراری پارلمان، عزل و نصب کارکنان نهاد ریاست جمهوری و توشیح مصوبات مجلس از این شرط مستثنی است.

اصل ۷۶: برکناری رئیس جمهوری

۱. در صورتی که اعضای بهارستان تشخیص دادند رئیس جمهوری مرتکب تخلف عمدی از قانون اساسی یا قوانین عادی شده است یا دچار فقدان اساسی توانایی برای تصدی این سمت است، مجلس شورای ملی و مهستان مستقلاً مجازند که پرونده برکناری رئیس جمهوری را به جریان ببندازند.
۲. لایحه برکناری رئیس جمهوری با پیشنهاد حداقل یک چهارم از اعضای مجلس شورای ملی یا یک چهارم آرای مهستان اعلام وصول می‌شود.
۳. پس از تدوین لایحه مذکور و ارائه به بهارستان چنانچه سه چهارم اعضای مجلس شورای ملی یا دو سوم آرای مهستان با لایحه برکناری رئیس جمهوری موافقت کنند، لایحه به عنوان شکایت بهارستان از مقام ریاست جمهوری مذکور تقدیم دادگاه عالی قانون اساسی می‌شود.
۴. پس از برگزاری جلسه دادگاه عالی قانون اساسی، اگر تشخیص دادگاه بر وارد بودن شکایت بهارستان تعلق بگیرد، رئیس دادگاه عالی قانون اساسی حکم برکناری رئیس جمهوری را صادر می‌کند. این حکم از لحظه اعلام رسمی در صحن دادگاه رئیس جمهوری را از تمام اختیارات خود محروم می‌نماید.

فصل ششم: دولت ملی

اصل ۷۷: ترکیب قوه مجریه ملی

اعضای دارای حق رای هیئت دولت عبارتند از نخست‌وزیر، قائم‌مقام وی و وزرا (یا کفیلان وزارت). نخست‌وزیر مجاز است تعدادی از مشاوران خود را با موافقت مجلس شورای ملی به عنوان وزیر مشاور (بدون مسئولیت ولی دارای حق رای) منصوب کند مشروط بر آنکه عده آنان بیش از یک ششم کل اعضای دارای حق رای هیئت دولت را تشکیل ندهند.

اصل ۷۸: انتخاب ریاست قوه مجریه ملی

۱. ریاست قوه مجریه ملی بر عهده نخست‌وزیر است که با رای اکثریت مطلق اعضای مجلس شورای ملی انتخاب می‌شود. نخست‌وزیر بالاترین مقام اجرایی کشور و مجری قوانین عادی مصوب بهارستان است. پس از انتخاب وی توسط مجلس شورای ملی، رئیس جمهوری طبق اختیارات محوله ذیل بند ۱ اصل ۷۳ این قانون وی را به سمت نخست‌وزیری منصوب می‌کند.
۲. دوره مسئولیت نخست‌وزیر تا زمانی است که مجلس شورای ملی او را معزول کند یا نخست‌وزیر جدیدی انتخاب کند، هر چند این اقدام نمی‌تواند در همان سال تقنینی (از ۱۴ مرداد تا ۱۳ مرداد سال بعد) رخ دهد که فرد به نخست‌وزیری انتخاب شده. انتخاب مجدد فرد به نخست‌وزیری محدودیتی ندارد.
۳. تعداد آرای موافق لازم برای نصب نخست‌وزیر جدید ۹۱ رای است. در اولین دور رای‌گیری برای انتخاب نخست‌وزیر در صحن مجلس شورای ملی حق معرفی نامزد تصدی این پست با حزبی است که بیشترین تعداد کرسی‌ها را در اختیار دارد. در صورتی که وی نتواند در اولین دور رای‌گیری آرای اعتماد کافی را کسب کند در دورهای بعدی، انتخابات به صورت چند نامزدی برگزار می‌شود.
۴. اگر پس از چهارده روز پس از اولین جلسه شورای ملی دوره جدید یا پایان کار نخست‌وزیر پیشین هیچکس نتواند رای اکثریت مطلق شورای ملی را کسب کند در روز پانزدهم باید انتخابات مجددی در صحن مجلس برگزار شود. کسی که در این انتخابات حائز بیشترین آرا باشد (صرف نظر از حد نصاب اکثریت) به عنوان نخست‌وزیر به رئیس جمهوری معرفی می‌شود.

۵. در صورتی که نخست‌وزیر منتخب از طریق شرایط پیش‌بینی شده در بند ۴ این اصل انتخاب شده باشد، رئیس جمهوری مختار است وی را به سمت نخست‌وزیری منصوب کند یا دستور تعلیق مجلس و برگزاری مجدد انتخابات مجلس شورای ملی را صادر کند. رئیس جمهوری برای تصمیم‌گیری در این زمینه ۷ روز فرصت دارد.
۶. افراد زیر واجد شرایط احراز پست نخست‌وزیری نیستند:
 - خدمه قوای نظامی و انتظامی تا ۵ سال پس از پایان خدمت فعال.
 - مقامات رسمی نهادهای دینی و روحانیون ثبت شده.
 - اعضای دادگاه‌های عالی کشوری و دادگاه عالی قانون اساسی تا ۲ سال پس از پایان خدمت
 - اعضای کمیسیون ملی انتخابات تا ۲ سال پس از دوران خدمت
 - روسای سابق جمهوری

اصل ۷۹: اختیارات و امتیازات نخست‌وزیر

۱. نخست‌وزیر رئیس قوه مجریه کشور و هیئت دولت است. وی وزرای دولت ملی را جهت نصب یا عزل (وفق بند ۱ اصل ۶۵) به رئیس جمهوری معرفی می‌کند و مسئول اجرای قوانین مصوب بهارستان است.
۲. نخست‌وزیر و اعضای هیئت وزیران باید در ابتدای تصدی منصب سوگند یاد کنند.
۳. نخست‌وزیر مسئول هماهنگی و تعیین سرخط‌های اساسی خط مشی دولت است و تحت نظر وی، وزرا به انجام وظیفه در حیطه وزارتخانه خود می‌پردازند. لذا نخست‌وزیر کلاً و وزرا جزئاً در برابر عملکرد دولت در حوزه خود مسئول هستند.
۴. دوره خدمت هر وزیر تا زمانی است که رئیس جمهوری به تقاضای مجلس شورای ملی یا نخست‌وزیر او را معزول کند.
۵. ریاست جلسات هیئت دولت بر عهده نخست‌وزیر است.
۶. هر مورد از وظایف قوه مجریه ملی که صراحتاً در این قانون مخصوص رئیس جمهوری نشده باشد بر عهده نخست‌وزیر و وزرای او است.
۷. هر نخست‌وزیری که دوره‌های خدمت وی در مجموع اقل از ۳ سال تمام باشد، در پایان دوره خود مفتخر به دریافت نشان درجه ۲ دماوند و در صورتی که دوره‌های خدمت وی مجموعاً بیش از ۷ سال تمام باشد مفتخر به دریافت نشان درجه ۱ دماوند خواهد شد.

اصل ۸۰: محدودیت‌ها

نخست‌وزیر و وزرای ملی نباید دارای هیچ سمت و جایگاه دارای حقوق مادی دیگری در حکومت ملی یا حکومت‌های استانی باشند. همچنین نباید مشغول به هرگونه پیشه یا تجارتي خصوصی باشد یا عضو هیئت مدیره یا هیئت امنای موسسه یا نهادی انتفاعی باشد.

اصل ۸۱: فرماندهی قوای نظامی و انتظامی

۱. کشور ایران دارای یک نیروی نظامی و یک نیروی انتظامی ملی است: ارتش که مسئول دفاع از کیان کشور در برابر دشمنان خارجی است و ژاندارمری که مسئول عملیات انتظامی در هر نقطه از کشور و هر حوزه قانونی است که در حوزه استحفاظی شهربانی‌ها و کلانتری‌ها نیست و نقش بازرسی، بازوی اجرایی و ضابط وزارت دادگستری را برعهده دارد.
۲. رئیس جمهوری فرمانده کل قوای نظامی و انتظامی کشور است. در زمان صلح و شرایط عادی وزیر دادگستری جانشین دائمی فرمانده کل قوا در نیروهای انتظامی ملی و وزیر دفاع جانشین دائمی فرمانده کل قوا در نیروهای نظامی است.
۳. اداره امور نیروهای مسلح توسط فرمانده کل قوا یا جانشینان وی باید تحت نظر «کمیسیون مشترک دفاعی و امنیتی» بهارستان باشد.

۴. هیچ یک از پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی در طول دوره خدمت حق هیچگونه فعالیت سیاسی ندارند و نباید در هرگونه فعالیت تبلیغی له یا علیه هر یک از نامزدها یا احزاب مشارکت کنند. امیران ارتش در طول دوره خدمت از حق رای خود نیز استفاده نخواهند کرد.

اصل ۸۲: پایان مسئولیت نخست‌وزیر

۱. رئیس مجلس شورای ملی می‌تواند به تقاضای یک چهارم اعضا یا درخواست رئیس جمهوری پیشنهاد رای‌گیری برای انتخاب نخست‌وزیر جدید را به صحن علنی ارائه کند. بین جلسه پیشنهاد رای‌گیری و جلسه انجام آن باید دست‌کم ۴۸ ساعت فاصله زمانی باشد و دست‌کم دو جلسه علنی کامل برگزار شود.
۲. انتخاب نخست‌وزیر جدید به منزله رای عدم اعتماد به نخست‌وزیر قبلی است و رئیس جمهوری موظف است در عرض ۴۸ ساعت وی را عزل و نخست‌وزیر جدید را منصوب کند.
۳. در صورتی که نخست‌وزیر فعلی در انتخابات مجدداً پیروز شود بدون مراسم ادای سوگند به خدمت ادامه خواهد داد.
۴. برکناری فوری نخست‌وزیر فعلی بدون انتخاب جانشین وی نیازمند رای دو سوم اعضای مجلس شورای ملی است.
۵. انتخاب نخست‌وزیر جدید پس از اجرای بند ۴ این اصل تابع شرایط توصیف شده در بندهای ۳ تا ۶ اصل ۷۸ خواهد بود.

اصل ۸۳: قائم‌مقام نخست‌وزیر

نخست‌وزیر یکی از وزرا را به انتخاب خود به سمت قائم‌مقامی برمی‌گزیند. وی جانشین موقت مقام نخست‌وزیر در شرایط غیبت، ناتوانی یا عزل است.

فصل هفتم: قوه مقننه ملی و فرایند تقنین

اصل ۸۴: صلاحیت تقنین شورای ملی و شوراهای استانی

۱. شوراهای استانی صلاحیت تقنین در حوزه‌هایی که در این قانون به شورای ملی منحصر شده را ندارند.
۲. شورای ملی صلاحیت سلب حق تقنین استان‌ها در حوزه‌هایی که در این قانون مختص استان‌ها شده را از طریق تصویب قوانین ملی ندارد.
۳. شوراهای ملی و استانی صلاحیت سلب حق تقنین شوراهای شهر را ندارند.
۴. شوراهای استانی و شورای ملی دعاوی خود را در موارد اختلافی مصداق بندهای فوق باید به دادگاه عالی قانون اساسی احاله کنند. تا زمان اعلام نظر دادگاه فرض بر صلاحیت شورای ملی است.

اصل ۸۵: حوزه صلاحیت تقنین انحصاری استان‌ها

۱. در موضوعات زیر، استان‌ها می‌توانند حتی در صورتی که حکومت ملی حق تقنین خود را از طریق تصویب قوانین ملی اعمال کرده باشد قوانین استانی خود را مشروط بر عدم تباین با محتویات قانون اساسی از ذیل قوانین ملی استثنا کنند:
- شیوه عملکرد نهادهای استانی و ذیل استان
 - شکار، ماهیگیری و قوانین مضاف بر محدودیت‌های ملی در حوزه حفاظت از محیط زیست و جانوران
 - قواعد و استانداردهای شهرسازی
 - برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی
 - مالیات‌ها و عوارض استانی

- مالیات بر ارث، هدیه، جایزه، املاک و مالیات بر درآمد استانی
- مدیریت مصرف منابع آب درون استانی
- معادن و منابع زیرزمینی بجز نفت، گاز، سنگ آهن، مس و فلزات رادیواکتیو
- زیرساخت‌های انرژی استان و تجارت انرژی
- خدمات مربوط به ارائه آب آشامیدنی، برق، گاز، تلفن، اینترنت و ...
- حمل و نقل زمینی، راه‌سازی و راه آهن (در محدوده استانی)
- فرودگاه‌ها و عوارض مربوط به آن
- قواعد مربوط به پذیرش، شهریه و فارغ‌التحصیلی از موسسات آموزش عالی
- قانون کار
- مجازات تخلفات مدنی و کیفری با حوزه تاثیر محلی
- قوانین و آیین‌نامه‌های دادگاه‌های محلی، دفترخانه‌ها، وکلا
- آیین‌نامه‌های نهادهای استانی
- قوانین مربوط به ساعات کسب، اصناف، حضور افراد در ملا عام، نمایشگاه‌ها، بازارها و تجمعات تجاری

اصل ۸۶: اختیارات انحصاری قوه مقننه ملی

در حوزه‌های ذیل صلاحیت تقنین در انحصار قوای مقننه ملی است:

- تمام موضوعات ذیل اصل ۸۵ در حوزه‌هایی که تاثیر مستقیم آن از قلمرو یک استان بیشتر شود.
- روابط خارجی، سیاست بین‌المللی و امور دفاعی
- تابعیت و شهروندی
- آزادی رفت و آمد در کشور، اعتبار مدارک و اوراق رسمی، مهاجرت داخلی و خارجی و استرداد مجرمین
- استاندارد، واحد پولی و معیارهای سنجش، آمار و سرشماری سراسری
- ساختار، قوانین و آیین دادرسی دادگاه‌های کشوری
- گمرک، مرزبانی، تجارت خارجی و دریانوردی
- حفاظت از میراث فرهنگی
- قواعد مربوط به مالکیت فکری و صنعتی و حق تکثیر
- ترابری هوایی
- اداره، توسعه و بهره‌برداری شبکه سراسری راه‌آهن و آزادراه‌ها
- پست و مخابرات
- عملیات انتظامی علیه تروریسم و مجرمانی که حوزه فعالیت یا تهدید آنها علیه جامعه بزرگتر از قلمرو یک استان باشد، یا صلاحیت قضایی یک استان مشخص در آن پرونده محرز نباشد یا هنگامی که استاندار تقاضا کند.
- تمام فعالیت‌های مربوط به حوزه انرژی هسته‌ای
- روابط حقوقی مستخدمین دولت مرکزی با نهادهای کارفرما
- قواعد مربوط به سلاح و مهمات
- امور کهنه‌سربازان

- مالیات بر درآمد ملی، مالیات بر مصرف، مالیات سرانه و مالیات انرژی
- مدیریت منابع آبی سطحی که بین دو استان یا بیشتر مشترک باشد
- مجازات جرایم کیفری و مدنی کشوری

اصل ۸۷: فرایند تقنین و لوایح

۱. لوایح از دو طریق به بهارستان ارائه می‌شوند: نامه نخست‌وزیر و پیشنهاد اعضای شورای ملی. لوایح پیشنهاد شده توسط اعضای شورای ملی باید با امضای ۱۲ نفر از نمایندگان اعلام وصول شود.
۲. لوایح ارائه شده از طرف نخست‌وزیر باید ابتدا تقدیم شورای ملی شود. در صورت موافقت شورای ملی با لایحه، نخست‌وزیر آن را جهت تصویب به مهستان ارائه می‌کند تا در نوبت بررسی قرار گیرد. لوایح پیشنهاد شده از طرف اعضای مجلس شورای ملی پس از تصویب در صحن مجلس به مهستان ارائه خواهد شد.
۳. مهستان راساً حق ویرایش این لوایح را ندارد، اما می‌تواند در مهلتی ۶ هفته‌ای لایحه را به ضمیمه تغییرات پیشنهادی به مجلس شورا مرجوع کند، در صورت نیاز به بررسی بیشتر مهستان می‌تواند از مجلس شورا تقاضا کند این مهلت را ۳ هفته تمدید کند.
۴. در صورتی که مهستان ویرایش لایحه را تقاضا نکند در پایان مهلت مقرر باید بر روی لایحه رای‌گیری کند.
۵. در صورتی که مجلس شورای ملی تمام ویرایش‌های پیشنهادی مهستان را بپذیرد و تصویب کند مصوبه نیازی به طرح مجدد در مهستان نخواهد داشت.

اصل ۸۸: لوایح تخصیصی و لوایح تجویزی

۱. هر لایحه‌ای که موضوع آن مسائلی چون ایجاد، لغو، تغییر و تنظیم مالیات و عوارض و سایر درآمدهای دولتی یا الزام دولت به پرداخت دیون و سایر وظایف مالی دولت باشد، جزو لوایح تخصیصی است. لوایحی که به سایر موضوعات می‌پردازد لوایح تجویزی هستند.
۲. لوایح ارائه شده به مجلس نباید مخلوطی از تجویز و تخصیص باشند.
۳. لوایح تخصیصی نباید بدون موافقت نخست‌وزیر و برخلاف بودجه سالانه پیشنهادی میزان پرداخت‌های دولت را افزایش یا منابع درآمدی آن را کاهش دهد.
۴. تصویب آن دسته از لوایح تخصیصی که مستلزم تاسیس مالیات و عوارض جدید یا افزایش خالص میزان مالیات‌های موجود باشد برای تصویب نیاز به رای موافق سه پنجم شورای ملی دارد.

اصل ۸۹: توشیح و ابلاغ قوانین

۱. مصوبات پارلمان پس از تایید در هر دو مجلس باید به توشیح رئیس جمهوری برسد و با دستور وی به هیئت دولت ابلاغ و در روزنامه رسمی کشور چاپ شود. مصوبات هیئت دولت با ابلاغ نخست‌وزیر در روزنامه رسمی چاپ می‌شود.
۲. مصوبات پارلمان و هیئت دولت باید حاوی تاریخ اجرایی شدن باشند. در غیر این صورت تاریخ اجرایی شدن آنان چهاردهمین روز پس از تاریخ چاپ در روزنامه رسمی است.
۳. رئیس جمهوری سی روز (در مورد لوایح یک فوریتی ۲ هفته، دو فوریتی یک هفته و سه فوریتی ۴۸ ساعت) پس از دریافت مصوبات بهارستان فرصت دارد تا درباره توشیح آن تصمیم بگیرد. در صورتی که در این مهلت وی مصوبه را خلاف قانون اساسی تشخیص داد یا نخست‌وزیر از وی چنین تقاضای عدم توشیح کرد، وی مختار است مصوبه را به انضمام نظرات خود یا دلایل مخالفت نخست‌وزیر جهت صدور رای قانونی به دادگاه عالی قانون اساسی ارجاع دهد. در این مدت اجرای آن مصوبه تا صدور رای نهایی دادگاه معلق خواهد شد.

۴. اگر در مهلت سی روزه رئیس جمهوری مصوبه‌ای را نه توشیح کند نه به دادگاه قانون اساسی ارجاع کند، رئیس مجلس شورای ملی راساً آن را به نخست‌وزیر ابلاغ کرده، دستور چاپ آن را در روزنامه رسمی صادر می‌کند.
۵. در هر صورت حق شهروندان برای اعتراض به مصوبات مجلس نزد دادگاه عالی قانون اساسی محفوظ است.

اصل ۹۰: کمیسیون ویژه نظارت بر نهادهای اطلاعاتی

۱. مجلس شورا موظف است یک کمیسیون محرمانه برای نظارت بر فعالیت نهادهای اطلاعاتی و امنیتی کشور تعیین کند.
۲. اعضای این کمیسیون شامل ۱۲ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی و ۶ نفر از اعضای مهستان خواهد بود. وزن رای اعضای مهستان در این کمیسیون ۲ برابر است.
۳. هر کمیسیون ویژه دارای اختیاراتی در حد کمیسیون تحقیق و تفحص در حوزه موضوع تخصصی خود نیز خواهد بود.
۴. جزییات محول به قانون عادی است.

اصل ۹۱: کمیسیون ویژه نیروهای مسلح

۱. مجلس شورا موظف است یک کمیسیون محرمانه برای نظارت بر فعالیت نیروهای نظامی و رسیدگی به شکایات اعضای آنها تشکیل دهد.
۲. اعضای این کمیسیون شامل ۱۲ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی و ۶ نفر از اعضای مهستان خواهد بود. وزن رای اعضای مهستان در این کمیسیون ۲ برابر است.
۳. این کمیسیون دو نفر از اعضای خود (یکی از بین نمایندگان مجلس شورا و یکی از میان اعضای مهستان) به عنوان کمیسر نیروهای مسلح منصوب خواهد کرد که دارای قدرت مساوی و مشترک هستند. این دو کمیسر مسئول اجرایی کمیسیون خواهند بود.
۴. جزییات محول به قانون عادی است.

اصل ۹۲: آیین نامه‌ها و بخشنامه‌ها

۱. هر یک از مجلسین مجاز است آیین‌نامه‌های لازم برای اداره امور داخلی خود را تدوین و تصویب کند.
۲. نخست‌وزیر مجاز است آیین‌نامه‌ها، دستورات اجرایی و بخشنامه‌های مورد نیاز اجزاء قوه مجریه برای اجرای قوانین مصوب قوه مقننه را صادر و ابلاغ نماید. این آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها باید در چارچوب قانون باشند و صراحتاً در متن آن مشخص شده باشد که برای اجرای کدام قانون تدوین شده‌اند.

اصل ۹۳: وظایف قوه مقننه در وضعیت اضطراری و وضعیت دفاعی

۱. در وضعیت اضطراری یا دفاعی چنانچه تشکیل جلسات منظم مجلس شورا یا مهستان و طی روند معمول برای انجام وظایف نظارتی قوه مقننه ممکن نباشد، این وظایف به یک کمیته مشترک تفویض می‌شود که ۲۴ نفر از مجلس شورا و ۱۲ نفر از مهستان در آن عضویت دارند. اعضای این کمیته رای مساوی دارند.
۲. این کمیته حق تصویب قانون ندارد.

اصل ۹۴: شرایط پیش‌بینی نشده در قوه مقننه

فرض اساسی این قانون بر این است که احاد ملت هیچ اختیار و صلاحیت حکومتی از تقنین و اجرا را به حکومت واگذار نکرده‌اند مگر آنکه صراحتاً در این قانون ذکر شده و مردم در همه‌پرسی با آن موافقت کرده باشند. لذا هرگونه شرایط پیش‌بینی نشده درباره

صلاحیت قوه مقننه در تصویب قوانین یا سکوت قوانین در موارد خاص را رئیس جمهوری با تایید دادگاه عالی قانون اساسی به همه‌پرسی می‌گذارد.

اصل ۹۵: بازنگری در قانون اساسی

۱. به جز در مواردی که تغییر آن پایه و اساس حکومت دموکراتیک، ابتناء قدرت به آرای مردم و حقوق اساسی آنان، استقلال و تمامیت ارضی کشور، اصل پاسخگویی نهادهای قدرت در برابر مردم، اصل جدایی نهاد دین از سیاست و تفکیک قوا را مختل می‌نماید؛ همچنین به جز بند اول و سوم از اصل حاضر، سایر بخش‌های این قانون اساسی به وسیله روند قانونی و دموکراتیک قابل اصلاح است. این تغییر ناپذیری البته شامل تغییر در فصل‌بندی قانون اساسی، تغییر شماره بندها و اصول یا تغییرات جزئی نگارشی که به تشخیص دادگاه عالی قانون اساسی محتوا و منظور آن اصل یا بند را دگرگون نمی‌کند، نخواهد بود.
۲. اصلاح قانون اساسی به صورت یک ماده واحد به ازای هر تغییر پیشنهادی به پیشنهاد حداقل یک پنجم نمایندگان مجلس شورای ملی از طریق فرآیند «تأمل مجدد» در مجلس آغاز شده و پس از دومین تایید در مجلس شورای ملی ملزم به کسب موافقت دو سوم بعلاوه یک آرای مهستان است.
۳. تأمل مجدد به این معناست که یک پیشنهاد واحد در دو دوره مختلف از مجلس شورای ملی طرح و با دو سوم بعلاوه یک رای موافق تصویب شود، مشروط بر آنکه فاصله بین دو رای‌گیری کمتر از دو سال نبوده و رای‌گیری اول در شش ماه پایانی دوره خدمت مجلس نباشد.
۴. ماده واحد اصلاح قانون اساسی پس از اولین تصویب در مجلس شورای ملی باید در دادگاه قانون اساسی از حیث مطابقت با بند یکم این اصل و عدم تباین با اساس مشروطیت نظام سیاسی تایید شوند.
۵. پس از تکمیل فرآیند تایید اصلاحیه قانون اساسی، همه‌پرسی درباره آن همزمان با نزدیک‌ترین موعد انتخابات سراسری برگزار خواهد شد.
۶. هر اصلاحیه پیشنهادی که در همه‌پرسی واجد اکثریت مضاعف شود، در قانون اساسی اعمال خواهد شد. منظور از اکثریت مضاعف در این اصل شرایطی است که حداقل ۵۰ درصد واجدین شرایط در همه‌پرسی شرکت کنند و بیش از ۵۰ درصد رای‌دهندگان هم در مجموع آرای سراسر کشور و هم حداقل در ۷ استان از ۱۰ استان کشور با آن موافقت کنند.

فصل هشتم: وظایف مشترک و نهادهای ملی

اصل ۹۶: سیاست خارجی

سیاست خارجی کشور ایران بر اساس ترویج همزیستی بین کشورها، صلح و بهبود رفاه عمومی کشور استوار است. بر این اساس جمهوری ایران استفاده از زور برای اعمال نظرات خود را مردود دانسته و خود را متعهد می‌داند با در نظر گرفتن مصالح ملی از هرگونه تلاش مسالمت‌آمیز برای بهبود روابط با همسایگان، پیشبرد روند صلح و تقویت همزیستی در منطقه، برقراری و تقویت حکومت‌های دموکراتیک و صلح طلب و کمرنگ نمودن افراط‌گرایی و تعصبات مذهبی و نژادی حمایت کند.

اصل ۹۷: بودجه سالانه کشور

۱. بودجه سالانه کشور توسط هیئت دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به بهارستان ارائه می‌شود.
۲. کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل کشور زیر نظر وزیر دارایی متمرکز می‌شود.

۳. تمام درآمدها و مخارج جمهوری باید در بودجه ثبت شود و درآمدها و مخارج پیش‌بینی شده در بودجه پیشنهادی باید متناسب باشد. بودجه کشوری و استانی نباید بدون مجوز ویژه پارلمان ملی بیش از نیم درصد کسری داشته باشد. اعطای چنین مجوزی در سه سال متوالی مجاز نیست.

۴. دریافت وام از دولت‌های خارجی یا استقراض از بانک مرکزی نیازمند مجوز ویژه مجلس شورای ملی با موافقت سه پنجم آرا است.

اصل ۹۸: بانک مرکزی ایران

بانک مرکزی ایران نهادی مستقل است که حق انحصاری انتشار اوراق بهادار دولتی از جمله پول نقد را در اختیار دارد. دبیرکل این بانک به پیشنهاد رئیس جمهوری و تایید پارلمان منصوب می‌شود.

اصل ۹۹: افزایش مخارج

پس از تصویب بودجه پیشنهادی دولت در پارلمان، طرح قوانین و مصوبات دیگری که مخارج پیشنهادی دولت در لایحه بودجه را افزایش داده یا موجب یا مستلزم مخارج جدیدی باشند نیازمند موافقت دولت است، همچنین مصوباتی که درآمدهای پیش‌بینی شده در لایحه بودجه را کاهش داده یا منابع آن را محدود نماید.

اصل ۱۰۰: محدودیت‌های استقراض

۱. استقراض دولت از منابعی به جز دول خارجی و بانک مرکزی، چاپ اوراق قرضه یا ایجاد هرگونه تعهد مالی دیگر که موجب تحمیل هزینه بازپرداخت در سال‌های مالی آتی شود تا سقف نیم درصد تولید ناخالص داخلی (اسمی) مجاز است.
۲. در شرایط بحران به تشخیص مجلس شورای ملی این سقف تا ۱٫۵ درصد تولید ناخالص داخلی قابل افزایش است. عبور از این سقف تنها در شرایط سوانح طبیعی یا اضطرار مطلق با مجوز سه پنجم آرای هر دو مجلس و ارائه برنامه بازپرداخت مشخص ممکن است.

اصل ۱۰۱: بودجه موقت

اگر در پایان سال مالی، بودجه سال مالی جدید هنوز به تصویب نرسیده باشد. دولت موظف است در مواردی که تاخیر در پرداخت‌ها عملکرد دولت را دچار اختلال اساسی می‌کند یا موجب نقض تعهدات دولت در قبال اشخاص ثالث است بودجه ماهانه موقت خود را بر اساس یک دوازدهم بودجه سال مالی قبل تنظیم و اجرا کند.

اصل ۱۰۲: اصلاحیه بودجه

در شرایط اضطراری یا تغییر اساسی اوضاع مالی در طول سال مالی دولت مجاز است از مجلسین تقاضا کند با اصلاح بودجه موافقت کنند. این اصلاحیه نیازمند رای سه پنجم هر مجلس است.

اصل ۱۰۳: دیوان محاسبات

۱. دیوان محاسبات کشور که نهادی زیر نظر بهارستان است (۶ نماینده از مجلس شورای ملی و ۵ نماینده از مهستان) مسئول رسیدگی و حسابرسی از کلیه نهادهایی است که به نحوی از انحاء از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند. این دیوان یک نفر را به عنوان حسابرس کل کشور انتخاب می‌کند تا وظایف اجرایی آن را بر عهده بگیرد.
۲. دیوان محاسبات کشور هر سال گزارش تفریغ بودجه و نظرات خود را به بهارستان ارائه می‌کند، این گزارش بجز جزییات مربوط به فعالیت نهادهای نظامی و امنیتی باید علنی و برای مردم قابل دسترسی باشد.

۳. دولت موظف است ابزاری طراحی کند تا با تاخیری حداکثر دو ساله، عموم مردم به تمام پرداخت‌هایی که به عنوان دستمزد به کارکنان نهادهای عمومی انجام می‌شود دسترسی داشته باشند. کارکنان نهادهای امنیتی و نظامی و کسانی که افشای هویت‌شان خلاف ملاحظات امنیتی باشد با مجوز مجلس شورای ملی از این بند مستثنی هستند. اما به هر حال باید مجموع پرداخت‌های معاف از افشا نیز اعلام شود.

اصل ۱۰۴: کمیسیون ملی انتخابات

۱. کمیسیون ملی انتخابات مسئول نظارت بر حسن اجرای قانون انتخابات توسط مجریان، رسیدگی به شکایات و نظارت بر شفافیت مالی انتخابات است.
۲. ترکیب کمیسیون ملی انتخابات به شرح زیر است: ۳ نفر به انتخاب مجلس شورای ملی، ۳ نفر به انتخاب اعضای مهستان، ۳ نفر به انتخاب رئیس جمهور، ۳ نفر از قضات دادگاه عالی قانون اساسی به توافق اعضای نهاد مذکور و ۳ نفر از اعضای دیوان بزرگ کشور به انتخاب اعضای نهاد مذکور؛ مجموعاً ۱۵ نفر
۳. هر کدام از اعضای این کمیسیون برای مدت ۶ سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد در دوره‌های متوالی مجاز نیست. هر دو سال یکبار یک نفر از هر یک از گروه‌های پنج‌گانه به صورت گردشی تغییر می‌کنند.
۴. معترضین به نتیجه یا شیوه برگزاری انتخابات می‌توانند به این کمیسیون شکایت کنند.
۵. رسیدگی به هر شکایتی در مورد نقض قانون اساسی در حین اجرای انتخابات و رسیدگی به شکایت از خود کمیسیون صرفاً در حوزه صلاحیت دادگاه عالی قانون اساسی است.

اصل ۱۰۵: نهادهای عام‌المنفعه

۱. دریافت کمک‌های مالی توسط نهادهای دینی از پیروانشان بلامانع است، اما نباید مبدا دریافت این کمک‌ها خارج از کشور باشد.
۲. مدارس دینی و مذهبی مجاز به پذیرش شهروندان زیر سن قانونی نیستند.
۳. نهادهای عام‌المنفعه غیردولتی که به فعالیت خیریه یا فعالیت‌های غیرانتفاعی در حوزه‌های علمی، ادبی، آموزشی، ورزشی یا دفاع از حقوق کودکان و حیوانات و امثالهم می‌پردازند از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند خواهند بود.
۴. کلیه نهادهای مشمول این اصل مجاز به فعالیت انتخاباتی اعم از صدور بیانیه یا انجام تبلیغ یا تامین هزینه تبلیغ له یا علیه نامزدهای انتخاباتی نیستند. سایر فعالیت‌های سیاسی برای این نهادها منعی ندارد.

اصل ۱۰۶: تقسیم درآمدهای حاصل از انحصارات دولتی:

۱. گردآوری درآمدهای حاصل از انحصارات مالی دولتی بر عهده وزارت دارایی دولت مرکزی است.
۲. درآمدهای حاصل از موارد زیر پس از کسر مخارج تحصیل متعلق به نهادهای استانی است:
 - دو پنجم مالیات بر ملک
 - مالیات بر ارث
 - مالیات بر قمار، دخانیات و نوشیدنی‌های الکلی
 - مالیات علی‌حده مصوب استان بر درآمد افراد حقیقی و حقوقی
 - هر منبع درآمدی دیگر که مصوب مجمع استان باشد و در قانون صراحتاً مختص دولت مرکزی و شهرداری‌ها نشده باشد و مشترک نیز نباشد.
۳. درآمدهای حاصل از موارد زیر پس از کسر مخارج تحصیل متعلق به شهرداری‌ها است:
 - نیمی از درآمد فروش یا انتقال اموال نامنقول

- یک سوم مالیات بر گردش مالی
- یک پنجم مالیات بر ملک
- عوارض شهری
- ۴. درآمدهای حاصل از موارد زیر پس از کسر مخارج تحصیل بین دولت مرکزی و نهادهای استانی تنصیف خواهد شد، شیوه توزیع نیمی از این درآمدها که متعلق به استان‌ها است بین استان‌های مختلف مطابق مصوبه مجلس شورای ملی خواهد بود.
- مالیات بر ترابری هوایی و عوارض فرودگاهی بجز فرودگاه‌های بین‌المللی
- مالیات بر بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدیدناپذیر
- دو سوم مالیات بر گردش مالی
- ۵. درآمدهای حاصل از موارد زیر پس از کسر مخارج تحصیل متعلق به دولت مرکزی است:
- دو پنجم مالیات بر ملک
- نیمی از درآمد فروش یا انتقال اموال نامنقول
- مالیات بر عایدی سرمایه
- درآمدهای گمرکی و سایر درآمدهای مربوط به اداره انحصاری مرزها توسط دولت
- عوارض حمل و نقل ریلی و آزادراهی و خودروها
- مالیات بر سرمایه، انتقال سرمایه، بیمه و اوراق بهادار
- مالیات بر درآمد افراد حقیقی و حقوقی
- مالیات و عوارض حامل‌های انرژی
- هرگونه عوارض و مالیاتی که در چارچوب توافقات بین‌المللی اخذ شود
- مالیات تمبر و درآمدهای حاصل از خدمات نهادهای دولتی

فصل نهم: قوه قضاییه

اصل ۱۰۷: ساختار قوه قضاییه

۱. قوه قضاییه از دو ساختار موازی تشکیل می‌شود: دادگاه‌های پنج‌گانه عالی که مرجع رسیدگی به دعاوی عادی هستند و دادگاه عالی قانون اساسی که مرجع رسیدگی به دعاوی مربوط به نقض یا اختلاف تفسیر قانون اساسی، دعاوی بین نهادهای حکومتی، دولت ملی و نهادهای استانی، و نهادهای یک استان علیه استان دیگر است.
۲. دادگاه‌های عالی شامل: دادگاه عالی مالی، دادگاه عالی کیفری، دادگاه عالی مدنی، دادگاه عالی اداری و دادگاه عالی کار است.
۳. هر استان به تناسب بار کاری دادگاه‌ها و جمعیت آن استان شامل یک یا چند ناحیه قضایی است. تعیین تعداد نواحی در هر استان بر عهده مجلس است. هر ناحیه قضایی دارای یک دادگاه ناحیه است که توسط یک قاضی ناحیه اداره می‌شود.
۴. قضات ناحیه جزو قضات کشوری هستند که توسط رئیس جمهوری و با موافقت مهستان منصوب می‌شوند. احکام دادگاه‌های ناحیه نزد دادگاه‌های عالی کشوری قابل تجدیدنظرخواهی است. دوره خدمت این قضات به شرط تداوم حسن انجام وظیفه نامحدود است.

اصل ۱۰۸: حوزه صلاحیت دادگاه‌های ناحیه

حوزه صلاحیت دادگاه‌های ناحیه مواردی است که از حوزه صلاحیت دادگاه‌های استانی یک استان خارج باشد یا بررسی آن در دادگاه استانی خلاف حق دسترسی طرفین دعوی به محاکمه عادلانه باشد. جزییات بر عهده قانون عادی است.

اصل ۱۰۹: دادگاه‌های استانی

استان‌ها مجازند دادگاه‌های عمومی، استیناف و عالی استانی تشکیل دهند. تصمیمات دادگاه‌های عالی استان در دادگاه‌های عالی کشوری قابل تجدیدنظرخواهی است.

اصل ۱۱۰: قضات کشوری

قضات کشوری (شامل قضات دادگاه‌های ناحیه، دادگاه‌های استیناف ناحیه و دادگاه‌های عالی کشوری) توسط رئیس جمهوری و پس از تایید مهستان به صورت مادام‌العمر منصوب می‌شوند و صرفاً در صورت وفات، استعفا، بازنشستگی (در سن ۷۰ سالگی یا پس از ۳۵ سال خدمت)، سلب اعتماد یا تصویب دو سوم اعضای مهستان یا انتصاب به کرسی قضاوت در دادگاه بالاتر از جایگاه خود خارج می‌شوند.

اصل ۱۱۱: قضات محلی

تعیین شیوه انتصاب و مدت خدمت قضات محلی بر عهده نظام‌نامه‌های استانی است.

اصل ۱۱۲: دیوان‌های معین

نهادهای زیر مکمل ساختار قضایی کشوری خواهند بود که راس آنها را رئیس جمهوری با تایید مهستان منصوب می‌کند: دیوان دادستانی، دیوان سازش، دیوان دادرزی، دیوان پشتیبانی.

اصل ۱۱۳: صلاحیت دادگاه عالی قانون اساسی

رسیدگی به موارد ذیل در صلاحیت انحصاری دادگاه عالی قانون اساسی است:

- دعاوی بین نهادهای حکومتی ملی و استانی با یکدیگر
- هر شکایتی از سمت اشخاص حقیقی یا حقوقی علیه هر نهاد حکومتی ملی یا علیه استان‌ها به اتهام نقض قانون اساسی مشروط بر آنکه شکایت در دادگاه‌های دیگر به نتیجه نرسیده باشد.
- شکایات و اعتراضات علیه کمیسیون ملی انتخابات
- اعتراض به مصوبات مجلس توسط رئیس جمهوری
- تفسیر قانون اساسی در صورت وجود ابهام و منحصر در پاسخ به استفسار یکی از مجلسین یا رئیس جمهوری یا طی حکم صادره در یکی از شکایات مربوط به بندهای قبل.

اصل ۱۱۴: ترکیب دادگاه عالی قانون اساسی

۱. دادگاه عالی قانون اساسی متشکل از ۷ قاضی با تجربه دست‌کم ۱۵ سال در امور قضایی است که هیچ مسئولیت دیگری در قوای سه‌گانه ندارند و به پیشه یا تجارت دیگری مشغول نیستند و از هرگونه ابراز حمایت از احزاب سیاسی و ادیان و فرق مختلف خودداری می‌کنند.
۲. قاضی ارشد دادگاه عالی قانون اساسی با سابقه‌ترین عضو این دادگاه است. وی اداره جلسات این دادگاه را بر عهده دارد اما رای او با سایر اعضا مساوی است.

۳. حکم یا نظریه نهایی دادگاه عالی قانون اساسی با امضای اکثریتی حداقل ۴ نفره رسمیت می‌یابد.
۴. استفساریه‌های قانون اساسی باید منظمًا منتشر شده و به صورت مدون در اختیار عموم باشد.
۵. دادستان کل کشور دولت را در دادگاه عالی قانون اساسی نمایندگی می‌کند.

اصل ۱۱۵: دادگاه‌های عالی

۱. دادگاه‌های عالی پنج دادگاه مستقل هستند که عالی‌ترین مرجع در حوزه صلاحیت خود و در حکم دیوان عالی استیناف در آن حوزه هستند. اعضای این دادگاه‌ها (هر دادگاه ۷ قاضی) در یک انتخابات دوره‌ای هر ۵ سال یک‌بار توسط قضاات کشوری تمام‌وقت از بین قضاات تمام وقتی که کمتر از ده سال به بازنشستگی آنان باقیمانده باشد، انتخاب می‌شوند.
۲. «دیوان بزرگ کشور» از قضاات دادگاه‌های عالی پنجگانه تشکیل می‌شوند. وظیفه این دیوان صدور احکام وحدت رویه در دادگاه‌های کشوری و تصویب بخش‌نامه‌های اداری داخلی قوه قضاییه ملی است.

اصل ۱۱۶: استقلال قضایی

۱. قضاات در عملکرد خود مستقل و تنها تابع قانون خواهند بود.
۲. قاضی را نمی‌توان بدون موافقت خودی وی از کرسی قضاوتی که بصورت تمام‌وقت و دائمی واجد آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلف از وظیفه قانونی به طور دائم یا موقت از مقام خود برکنار کرد، محل خدمت او را تغییر داد یا پیش از موعد بازنشسته کرد.
۳. قضاات کشوری فقط پس از اثبات تخلف و با تایید کمیسیون قضایی مهستان برکنار می‌شوند.

اصل ۱۱۷: منع دادگاه‌های فوق‌العاده

۱. برقراری و برگزاری دادگاه‌های فوق‌العاده مطلقاً ممنوع است. هیچ‌کس را نمی‌توان به جبر از حوزه قضایی قانونی قاضی خودش خارج کرد.
۲. تشکیل دادگاه‌های تخصصی فقط با حکم قانون و زیرمجموعه دادگاه‌های عالی کشوری پنجگانه مجاز است. هر یک از دادگاه‌های عالی کشوری مجازند منفرداً یا مشترکاً در حوزه صلاحیت خود یا شعب ویژه تخصصی با هیئت منصفه متخصص تشکیل دهند.

اصل ۱۱۸: دادگاه نظامی

- دادگاه‌های نظامی صرفاً صلاحیت بررسی تخلفات و جرائم نیروهای نظامی را در حیطه وظایف نظامی بر عهده دارند. محاکمه غیرنظامیان در دادگاه نظامی مطلقاً ممنوع است.

اصل ۱۱۹: محاکمه منصفانه

۱. هرکس، متهم به هر جرمی که باشد، حق دارد در جلسه دادگاه خود حضور داشته باشد و در حضور قاضی یا هیئت منصفه از خود دفاع کند و دفاعیات وی شنیده شده و در صورتجلسه دادگاه منظور گردد.
۲. اصل برائت بر نظام قضایی حاکم است و هرکس، متهم به هر جرمی که باشد، حق دارد بی‌گناه دانسته شود مگر اینکه در دادگاهی قانونی و ذی‌صلاح و در محاکمه‌ای منصفانه مجرم بودن وی اثبات گردد.
۳. تمام جلسات دادگاه‌ها باید علنی باشند مگر به دلیل حفظ حریم خصوصی در دعاوی خصوصی، حفاظت از جان شهود، یا حفاظت از امنیت ملی. در مورد اخیر غیرعلنی بودن دادگاه باید به تایید کمیسیون قضایی مهستان برسد.
۴. متهم حق دارد از تمام شواهد و مدارکی که علیه وی به دادگاه ارائه می‌شود و همچنین از هویت شاکی خود آگاه شود و فرصت داشته باشد صحت این شواهد و مدارک را بررسی کند.

۵. تقاضای تجدیدنظر در حکم دادگاه بدوی نزد دادگاهی بالاتر حق متهم است.
۶. هیچ‌کس را نمی‌توان برای جرمی که قبلاً در دادگاه صالحه برای آن محاکمه، محکوم و مجازات شده، مجدداً مجازات نمود.
۷. نمی‌توان کسی را که قبلاً بابت اتهامی محاکمه و تبرئه شده، بدون کشف مدارک تازه مجدداً محاکمه نمود.
۸. نمی‌توان کسی را بدون هیچ‌گونه شواهد دیگری فقط بر اساس اعترافات خودش محکوم کرد.
۹. نمی‌توان کسی را بدون هیچ‌گونه شواهد دیگری فقط بر اساس اعتراف شخص ثالثی که در همان پرونده یا پرونده مرتبط در مظان اتهام است محکوم کرد.
۱۰. نمی‌توان کسی را بدون هیچ‌گونه شواهد دیگری فقط بر اساس علم قاضی محکوم کرد.
۱۱. متهم حق دارد در تمام مراحل بازپرسی و محاکمه به وکیل دسترسی داشته باشد. در صورتی که استطاعت استخدام وکیل برای خود را نداشته باشد، دیوان پشتیبانی برای او وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد. متهم حق دارد از قبول وکیل تسخیری امتناع کند.
۱۲. ارتکاب عمل یا احتراز از عملی را نمی‌توان جرم قلمداد نمود مگر آن که قانونی صراحتاً آن را منع کرده باشد و تاریخ اجرایی شدن آن قانون پیش از تاریخ ارتکاب آن عمل یا احتراز از آن عمل باشد. همچنین مجازات جرم تنها بر اساس ماده‌ای قانونی ممکن است که شکل و میزان مجازات آن جرم را پیش از تاریخ ارتکاب توسط محکوم علیه مشخص کرده باشد.

اصل ۱۲۰: محاکمه با حضور هیئت منصفه

۱. در محاکمات بدوی که حداکثر مجازات تعیین شده برای بزرگترین اتهام انتصابی بیش از ۱۷۹ روز حبس یا حداکثر میزان جریمه یا خسارت تعیین شده یا ارزش مال مورد ادعا بیش از حد نصاب تعیین شده در قانون باشد، حضور هیئت منصفه الزامی است. مگر آنکه در دعاوی خصوصی طرفین دعوی بر عدم حضور هیئت منصفه توافق کنند.
۲. اعضای هیئت منصفه هر دادگاه طبق شرایطی که قانون مشخص خواهد کرد از بین شهروندان داوطلب واجد شرایط ساکن همان حوزه قضایی به قید قرعه انتخاب می‌شوند. تعداد آنان نباید کمتر از ۹ نفر باشد.
۳. طرفین دعوا مجازند با اقامه دلیل از دادگاه تقاضا کنند که هر یک از اعضای هیئت منصفه را که بی‌طرفی وی مستنداً محل تردید است، مرخص و تعویض نماید.

اصل ۱۲۱: اختلافات مربوط به نظام‌نامه استانی

- چگونگی تفسیر نظام‌نامه استانی و شکایات مربوط به نقض آن بر عهده قوانین استانی است، مگر آنکه شکایت مذکور درباره نقض قانون اساسی کشور در نظام‌نامه استانی باشد.

اصل ۱۲۲: الغاء مجازات‌های وحشیانه

۱. از تاریخ رسمیت یافتن این قانون مجازات اعدام در دادگاه‌های غیرنظامی ملغی و اجرای آن ممنوع است.
۲. تصویب و اجرای هرگونه مجازات که مستلزم آسیب بدنی عمدی، مستقیم و عمده به مجرمین باشد یا سبب تحقیر و تخفیف شان انسانی افراد گردد غیرقانونی است.
۳. حداکثر طول مجازات حبس قابل تعریف برای هر ردیف اتهامی (به جز حبس ابد) سی سال است. مجازات حبس ابد فقط برای شنیع‌ترین جنایات و فقط با تایید دادگاه عالی کیفری قابل اجراست.

اصل ۱۲۳: محرومیت از حقوق و آزادی‌های مشروع

۱. آزادی تردد و سایر حقوق افراد را می‌توان به موجب قرار بازداشت یا محکومیت قانونی به حبس در خانه یا زندان یا سایر مجازات‌های قانونی دیگر سلب نمود. اما به هر حال افراد تحت بازداشت یا محبوس در منزل نباید مورد آزار و بدرفتاری جسمانی یا روانی عمدی قرار بگیرند یا در معرض بی‌توجهی اساسی به وضعیت سلامتی‌شان رها شوند.
۲. صدور قرار بازداشت صرفاً در صلاحیت قضات است. نیروهای انتظامی و دادستانی بدون کسب چنین دستوری، فقط در مواردی اجازه بازداشت افراد را دارند که بازداشت فوری جهت پیشگیری از وقوع جرمی قریب‌الوقوع ضروری باشد یا بازداشت در صحنه ارتکاب جرم انجام شود یا در موارد مشابهی که طبق قانون تعیین خواهد شد. به هر حال ادامه بازداشت اولیه متهم پس از پایان ساعت اداری اولین روز کاری بعد از روز بازداشت وی بدون قرار بازداشت غیرقانونی است.
۳. کسی که به عنوان مظنون به ارتکاب جرم بازداشت شده باید حداکثر تا پایان ساعت اداری اولین روز کاری پس از بازداشت به پیشگاه دادگاه منتقل شود. قاضی وی را از علل بازداشت آگاه خواهد کرد و به وی فرصت اعتراض به بازداشت خود را خواهد داد. قاضی موظف است بدون هیچ تأخیری در پایان جلسه تفهیم اتهام، قرار بازداشت وی را کتباً و با ذکر دلایل ابلاغ نموده یا دستور آزادی موقت یا قطعی وی را صادر کند.
۴. صدور دستور بازداشت یا محرومیت متهم از آزادی‌ها و حقوق شهروندی باید به اطلاع یکی از بستگان یا افراد معتمد فرد متهم برسد.

فصل دهم: وضعیت دفاعی و وضعیت اضطراری

اصل ۱۲۴: وضعیت اضطراری

۱. هرگاه در سراسر کشور یا بخشی از آن به دلیل سوانح طبیعی یا سایر مصائب غیر مترقبه برقراری قانون و نظم به روش معمول ممکن نباشد، نخست‌وزیر می‌تواند با اجازه رئیس جمهوری حداکثر به مدت ۳۰ روز در آن ناحیه وضعیت اضطراری اعلام کند.
۲. برای تمدید وضعیت اضطراری دولت باید حداکثر هر ۳۰ روز یک بار موافقت مهستان را کسب کند.
۳. جزییات تدابیر مربوط به وضعیت اضطراری موضوع قانون عادی است.

اصل ۱۲۵: بسیج نیروها

در شرایطی که آغاز وضعیت دفاعی در کشور قریب‌الوقوع باشد رئیس جمهوری مجاز است پس از کسب موافقت بهارستان اعلام بسیج سراسری یا محدود نماید. در شرایط بسیج، تمام قوانین شرایط دفاعی برقرار خواهد بود جز آنکه «طرف مخاصمه معین» موضوع اصل ۱۲۶ تعیین نشده است.

اصل ۱۲۶: اعلام آغاز یا پایان وضعیت دفاعی

۱. اعلام آغاز و پایان وضعیت دفاعی بر عهده رئیس جمهوری است. برای این منظور وی باید موافقت مهستان را کسب نماید. برای اعلام آغاز و پایان وضعیت دفاعی تعیین «طرف مخاصمه معین» در اعلامیه مربوطه الزامی است. در صورتی که تهاجم نظامی از سوی نیروهای طرف مخاصمه معین پیش از این اعلامیه عملاً آغاز شده و ادامه آن محتمل باشد یا نیروهای نظامی وی در قلمرو آبی یا خاکی ایران مستقر شده باشند یا رئیس جمهوری اطلاعیه «اعلان جنگ» از سوی طرف مقابل دریافت کرده باشد، اعلام آغاز وضعیت دفاعی نیازمند کسب موافقت مهستان نیست.
۲. رئیس جمهوری موظف است حداکثر ۳ ماه پس از صدور دستور ترک مخاصمه با آخرین «طرف مخاصمه معین»، تقاضای پایان وضعیت دفاعی را به مهستان ارائه کند و در صورت رد درخواست هر سه ماه یکبار تقاضا را تکرار کند.

۳. در صورتی که پس از ترک مخاصمه و پایان وضعیت دفاعی خطر بازگشت درگیری وجود داشته باشد رئیس جمهوری می‌تواند با کسب مجوز از بهارستان کشور را به مدت ۴۵ روز در وضعیت بسیج نیروها نگاه دارد. در صورت نیاز تمدید وضعیت بسیج نیروها هر ۴۵ روز با موافقت بهارستان امکان پذیر است.

اصل ۱۲۷: فرماندهی قوای نظامی در وضعیت دفاعی

۱. در وضعیت دفاعی فرماندهی کل قوای نظامی و انتظامی ملی بر عهده رئیس جمهوری است.
۲. تصمیم‌گیری‌های عملیاتی نظامی کشور در زمان جنگ توسط اعضای ستاد مشترک ارتش به عنوان مشاوران عالی رئیس جمهوری انجام می‌شود.

اصل ۱۲۸: لوایح اضطراری

برای تصویب لوایح اضطراری (دو و سه فوریتی) در وضعیت دفاعی مجلسین جلسه مشترک تشکیل می‌دهند. در این جلسات ساختار دو مجلسی نادیده گرفته شده و دو مجلس مجموعاً مانند یک مجلس عمل کرده و رای می‌دهند با این استثنای که وزن رای هر عضو مهستان در این جلسه مشترک ۴ برابر وزن رای هر نماینده مجلس شورای ملی است.

اصل ۱۲۹: دادگاه عالی قانون اساسی در وضعیت دفاعی

وضعیت دفاعی تحت هیچ شرایطی اختیارات و صلاحیت دادگاه عالی قانون اساسی را نفی، تعلیق یا لغو نمی‌کند.

اصل ۱۳۰: وضعیت نهادهای انتخابی در وضعیت دفاعی

۱. دوره ریاست جمهوری در هیچ شرایطی قابل تمدید نیست.
۲. دوره مجلس شورای ملی تا هنگامی که امکان برگزاری انتخابات جدید میسر باشد ادامه خواهد داشت. مرجع تشخیص امکان برگزاری انتخابات دادگاه عالی قانون اساسی است.
۳. در هر یک از استان‌ها که امکان برگزاری انتخابات فراهم باشد، باید انتخابات مهستان برگزار گردد، در استان‌هایی که برگزاری انتخابات ممکن نیست، دوره نمایندگان فعلی تمدید می‌شود.

اصل ۱۳۱: وضعیت دفاعی محدود

در صورتی که منطقه و حجم درگیری نظامی محدود باشد، رئیس جمهوری مجاز است برای احتراز از قرار دادن کل کشور در شرایط دفاعی صرفاً برای استان‌ها یا شهرستان‌های خاصی از بهارستان تقاضای اعلام وضعیت دفاعی کند. در این صورت موارد پیش بینی شده در این فصل صرفاً در مناطق مذکور اجرا خواهد شد.

فصل یازدهم: اصول موقت و متفرقه

اصل ۱۳۲: برکناری خدمه دولت

۱. اگر مشخص شود که هر یک از خدمه دولتی و قضایی که در هنگام رسمیت یافتن این قانون مشغول خدمت هستند، این مقام و منصب را بدون داشتن حداقلی از صلاحیت‌های حرفه‌ای و شایستگی‌های لازم و مشخصاً بر اساس روابط ویژه یا وابستگی سببی، نسبی، قومی یا ایدئولوژیک رایج در دوران حکومت سابق کسب کرده‌اند. می‌توان در مدت ۳۶ ماه پس از تاریخ رسمیت یافتن این قانون آنان را از خدمت منفصل، بازنشسته یا معلق کرد یا محل خدمت آنان را به مکان مناسب‌تری منتقل نمود و یا ایشان را به مقام پایین‌تری تنزل داد.

۲. حق رجوع به دادگاه و تجدیدنظرخواهی برای افراد متأثر از اجرای بند فوق محفوظ است.
۳. بخش مربوط به انتقال، تنزل و بازنشستگی شامل آن دسته از خدمه دولتی نخواهد شد که استمرار استخدام ایشان ناقض اصل جدایی نهاد دولت از نهاد دین باشد.

اصل ۱۳۳: اداره امور استان در غیاب مقامات ذیصلاح استانی

در تاریخ رسمیت یافتن این قانون اساسی تمامی اختیاراتی که در فصول سابق مخصوص مقامات تقنینی و اجرایی استانی گردیده است، بلافاصله تعلیق شده و این اختیارات موقتاً به ترتیب در اختیار شورای ملی و فرماندار کل منصوب نخست‌وزیر قرار خواهد گرفت. در هر استان، پس از طی همه مراحل زیر این تعلیق بلافاصله ابطال خواهد شد:

- برگزاری انتخابات و تشکیل انجمن موقت استانی
- تدوین نظام‌نامه استانی، تصویب آن در انجمن موقت استانی و تایید نظام‌نامه در همه‌پرسی مردمی در سطح استان
- تایید نظام‌نامه استانی در دادگاه عالی قانون اساسی
- انتخاب و معرفی استاندار موقت توسط انجمن استانی و معرفی وی به مهستان
- انتخاب نمایندگان استان در مهستان و حضور آنها در اولین جلسه مهستان

اصل ۱۳۴: تعلیق موقت اصل ۴۱

در ۱۵ سال نخست اجرای این قانون، مجلس مجاز به تصویب مصوبه‌ای در قالب اصل ۴۱ این قانون نخواهد بود.

اصل ۱۳۵: تضمین حقوق سیاسی تبعیدیان

بند مربوط به تابعیت انحصاری ایران برای نامزدی در انتخابات یا تصدی مناصب دولتی مندرج در اصول ۵۱، ۶۴ و ۶۹ برای افرادی که از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ تا تاریخ رسمیت یافتن این قانون، خارج از ایران از مادری ایرانی متولد شده باشند؛ اعمال نخواهد شد. مشروط بر آنکه فرد مذکور تابعیت مضاعف خود را اقلاً ۳ ماه قبل از تاریخ برگزاری انتخابات مورد نظر قطعاً ترک کرده باشد.

اصل ۱۳۶: اولویت عدالت

افرادی که به اتهام ارتکاب جنایات رده ۳ و بالاتر در دوران حکومت اسلامی، تحت تعقیب دادستانی باشند تا هنگام صدور حکم قطعی برائت در دادگاه صالحه از نامزدی برای تمام انتخابات‌های ملی و محلی موقتاً محروم خواهند بود و همچنین انتصاب این افراد به سمت وزیر ملی یا استانی، معاون وزیر، استاندار و معاون استاندار و قاضی کشوری و محلی مجاز نخواهد بود.

اصل ۱۳۷: امحاء سوابق سوء سیاسی

سوابق سوء سیاسی و عقیدتی دوران حکومت اسلامی در شرط عدم سوء سابقه کیفری برای نامزدهای انتخاباتی موثر نخواهد بود و توسط کمیسیون ملی انتخابات لحاظ نخواهد شد. تشخیص سیاسی یا عقیدتی بودن یا نبودن این دسته از محکومیت‌ها بر عهده کمیسیون ملی انتخابات است.

اصل ۱۳۸: نیروهای نظامی بیگانه

۱. دولت مجاز نیست اتباع خارجی را به عضویت نیروهای مسلح یا انتظامی بپذیرد. افسران آموزشی، مربیان، معلمان دانشکده‌های نظامی، کارشناسان مشاور و مستشاران فنی به شرط عدم دخالت در عملیات رزمی یا انتظامی و کسب مجوز مجلسین از این اصل معافند.

۲. دولت مجاز نیست نیروهای نظامی خارجی از دول متحد را در قلمرو خاکی و آبی ایران مستقر کند یا به آنان اجازه عبور از محدوده خاکی، آبی یا حریم هوایی کشور را اعطا کند مگر آنکه قبلاً مجوز مخصوصی از شورای ملی گرفته باشد که تعداد، زمان و مکان استقرار یا مسیر عبور آنان را مشخص کند.
۳. کلیه اتباع بیگانه بالای ۱۸ سال که در مراحل انحلال نظام سابق در حین ارتکاب جنایت علیه ملت ایران و در قلمرو قانونی کشور به اسارت نیروهای مسلح ملی ایران درآمده‌اند، به عنوان «خصم غیرقانونی» شناسایی شده و از حمایت قانون اساسی و کنوانسیون‌های مربوط به اسرای جنگی خارج خواهند بود.

اصل ۱۳۹: رسمیت یافتن قانون اساسی

این قانون ۹۰ روز پس از تایید نتیجه همه‌پرسی مربوطه توسط کمیسیون ملی انتخابات رسمیت خواهد یافت.

اصل ۱۴۰: تسهیل تشکیل مجلس مهستان

برای تشکیل هرچه سریعتر مجلس مهستان و پر شدن کرسی‌های افتخاری آن، اولین دوره مجلس شورای ملی موظف است با توافق اعضا و در اسرع وقت به ۴۰ نفر از بزرگان، محترمین و معتبرین ساکن استان‌های مختلف که واجد سایر شرایط عضویت در مهستان هستند، به پیشنهاد نمایندگان همان استان، نشان عالی دملوند از درجه ۱ تا ۳ اعطا نماید، به نحوی که عدد دریافت‌کنندگان نشان‌های درجه ۱ و ۲ در هر استان کمتر از یک نفر نباشد. افراد مقیم خارج از ایران بر اساس محل ولادت رده‌بندی خواهند شد.

اصل ۱۴۱: تقسیمات کشوری

تا موعد انقضای شرط مقرر در اصل ۱۳۱، کشور ایران از نظر قانونی شامل ۱۰ استان زیر خواهد بود: ۱. تهران (شامل استان سابق تهران) ۲. آذربایجان (شامل استان‌های سابق آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل و زنجان) ۳. عراق (شامل استان‌های سابق البرز، قزوین، قم، مرکزی و همدان) ۴. کردستان (شامل استان‌های سابق کردستان، کرمانشاه و ایلام) ۵. خراسان (شامل استان‌های سابق خراسان جنوبی، شمالی و رضوی) ۶. سپاهان (شامل استان‌های سابق اصفهان، یزد و سمنان) ۷. پارس (شامل استان‌های سابق فارسی، هرمزگان و بوشهر) ۸. عیلام (شامل استان‌های سابق خوزستان، لرستان، چارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد) ۹. کرمان و بلوچستان (شامل استان‌های سابق کرمان و سیستان و بلوچستان) ۱۰. دیلم و طبرستان (شامل استان‌های سابق گیلان، مازندران و گلستان)



اصل ۱۴۲: توزیع کرسی‌های مجلس شورای ملی

تعداد کرسی‌های هر استان در مجلس شورای ملی متناسب با جمعیت آن و بر اساس توزیع با روش «بزرگترین خارج قسمت» در اولین دوره تشکیل به شرح زیر خواهد بود: تهران ۳۰، آذربایجان ۲۱، عیلام ۱۹، خراسان ۱۸، عراق ۱۹، دیلم و طبرستان ۱۷، پارس ۱۸، سپاهان ۱۶، کرمان و بلوچستان ۱۴ و کردستان ۱۰. تعداد کرسی‌ها هر ۲۰ سال یکبار بر اساس تغییرات جمعیتی بازنگری خواهد شد.

اصل ۱۴۳: توزیع کرسی‌های مهستان

تعداد کرسی‌های انتخابی هر استان در مهستان به شرح زیر خواهد بود: استان تهران ۵ کرسی، سایر استان‌ها هر یک ۴ کرسی.

اصل ۱۴۴: حد نصاب آراء احزاب در انتخابات مجلس شورای ملی

حد نصاب ورود احزاب به مجلس شورای ملی کسب حداقل ۵ درصد آرا در سراسر کشور یا کسب حداقل ۲۰ درصد آرا در یکی از استان‌های ۱۰ گانه است.

اصل ۱۴۵: نشان عالی دماوند

۱. نشان عالی دماوند بالاترین نشان افتخار جمهوری ایران است، که بابت خدمات برجسته به کشور و منافع ملی به شهروندان بالای ۳۰ سال کشور اعطا خواهد شد.

۲. اعطای نشان عالی دماوند به جز مواردی که طبق قانون اساسی یا نظامنامه مربوطه باید به صورت استحقاقی به افراد تعلق بگیرد، به صورت افتخاری با معرفی مجلس شورای ملی و موافقت رئیس جمهوری ممکن است.

۳. تدوین نظامنامه این نشان بر عهده مجلس شورای ملی است.

۴. به جز نوبت اول، تعداد دریافت‌کنندگان افتخاری این نشان در هر سال نباید از یک نفر برای درجه اول و سه نفر برای درجه دوم تجاوز کند.

۵. به جز نوبت اول و مواردی که در نظامنامه نشان عالی دماوند اعطای خودکار درجات ۱ و ۲ پیش‌بینی شده، اعطای نشان درجه ۲ تنها به دارندگان نشان درجه ۳ و اعطای نشان درجه ۱ تنها به دارندگان نشان درجه ۲ ممکن است. هربار اعطای نشان به یک فرد باید از نوبت قبلی حداقل ۳ سال فاصله داشته باشد.

اصل ۱۴۶: ارشدیت دارندگان نشان عالی دماوند

۱. دارندگان نشان درجه یک همواره از درجه دو و دارندگان نشان درجه دو همواره از درجه ۳ ارشد اند.
۲. در میان دارندگان نشان از درجه مشابه، ارشد کسی است که نشان آن درجه را زودتر (بر حسب روز) دریافت کرده باشد.
۳. در میان دارندگان نشان عالی دماوند از درجه، تعداد و مدت یکسان ارشد کسی است که کهنسال‌تر باشد.

اصل ۱۴۷: دوره‌های مجلس شورای ملی

اولین دوره مجلس شورای ملی که بر اساس این قانون تشکیل شود «دوره بیست و پنجم مجلس شورای ملی» نامیده خواهد شد.